

اطلاعیه تشکیل سازمان رهایی زن!

تلاش را برای شرکت فعالین حقوق زن در این مجمع علنی فراهم نماید.

اعضا هیئت موسس سازمان رهایی زن عبارتند از:

ثریا شهابی، ناهید ریاضی، مهنوش موسوی، کورش مدرسی، اعظم کم گویان، گلایژه قادرنژاد، مریم افراسیابپور، مریم شهابیان، فوزیه خالدیان، مظفر محمدی، مینو همتی، مینو همیلی، هوزان محمود، الا فرج، آذر موسوی، فاطمه اقدامی، نسرين امیری، سارا محمد، گلپاخ سلیمی، ثریا خضری، شهناز خندان، نسیم رهنما، لادن داور، نسرين پرواز، گلایژه مصطفی پور، آرزو محمدی، محمود رهبری، پرستو مهاجر، ملکه عزتی، ریگا رثوف، هلاله رافع، لاله زندی، پری زارع، شیوا فرهمند، آیتا فرزانه، ناهید پرتوی، پروین معاذی، شهین مشنوی، پرشنگ بهرامی، نصرت سلیمی، فخری نادری، آفاق وکیلی، شب بو مرادی، عدرا آدمی، خانم صفری، فاتح شیخ، بهار ربیعی

۱۵ شهریور ۸۳، ۵ سپتامبر ۲۰۰۴

زنده باد آزادی و برابری!
نابود باد، ستم و تبعیض به زن!



این سازمان را در داخل و خارج کشور، مطبوعات و رادیو و تلویزیون، امکانات مالی و ... را تا مجمع نشست کنفرانس این سازمان عهده دار شوند. هیئت موسس سازمان مقرر نمود که تا ۵ ماه آتی این کنفرانس برگزار شده و کانون مرکزی موظف است بیشترین

لادن داور، مینو همتی، گلایژه قادرنژاد، هوزان محمود، مریم افراسیابپور، ملکه عزتی، مینو همیلی، فوزیه خالدیان، فخری نادری، ریگا رثوف، شب بو محمدی، فاطمه اقدامی، سارا محمد، گلایژه مصطفی پور، آذر موسوی تشکیل داد تا وظیفه راه انداختن نهادهای مختلف

هیئت موسس سازمان رهایی زن، ضمن اعلام تشکیل این سازمان در ۱۵ شهریور ماه، مهنوش موسوی را به عنوان دبیر این سازمان انتخاب نموده و همچنین کانون مرکزی موقتی را از مهنوش موسوی، ثریا شهابی، ناهید ریاضی، اعظم کم گویان،

زنان و مردان آزاده!

ما جمعی از رهبران و فعالین جنبش آزادیخواهانه زن، طی نشست ۱۵ شهریور ۱۳۸۳، برابر با ۵ سپتامبر ۲۰۰۴، سازمان رهایی زن را برای متشکل کردن، منسجم کردن و رهبری مبارزه بر علیه ستم و تبعیض به زن، مبارزه بر علیه حجاب، آپارتاید جنسی و قوانین خشونت بار اسلامی و رهایی از مردسالاری حاکم تاسیس کردیم.

هدف ما لغو و امحا کامل ستم، تبعیض و خشونت به زن است. هدف ما مبارزه برای یک دنیای بهتر، دنیای بدون نابرابری و تبعیض جنسی است. هدف ما رهایی جامعه از زن ستیزی است. هدف ما لغو قانون حجاب اجباری، آپارتاید جنسی، سایر قوانین تبعیض آمیز و خفت آور اسلامی، برچیدن بساط تحقیر و خشونت به زن است. ما سازمان رهایی زن را برای محو این بی حقوقیها و تامین آزادی، برابری و حقوق کامل زن تاسیس کرده ایم. ما همه شما زنان و دختران حق طلب و آزادیخواه و کلیه مدافعین و دوستان حقوق و شان و حرمت زن را به پیوستن به صفوف این سازمان فرا می خوانیم.

بیانیه اهداف سازمان رهایی زن!

تبعیض و ستم بر زن مبارزه میکنیم. برابری در جنبش ما، مفهومی پایه ایی در احقاق حقوق، شان و حرمت انسان دارد. ما بر جهانشمولی حقوق انسانی، صرف نظر از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد و ... تاکید و آن را مطالبه میکنیم. برای ما، معنی پیروزی، اعلام رسمی و قانونی

اصلی شکل دهنده به تحولات سیاسی آتی جامعه ایران برای برقراری آزادی و برابری است. ما اعلام میکنیم که جامعه ایران، بدون رهایی زن از ستم، آزاد نخواهد شد. آزادی و برابری بدون قید و شرط و فوری زن و مرد در کلیه حقوق فردی، سیاسی و اجتماعی و .. باید به مفاد قانون اساسی کشور بدل شود. ما برای امحا کامل

سیاسی در ایران، منطقه و در سراسر جهان، انقیاد و ستم مذهبی علیه زن را به اهرمی برای مقابله با آزادیخواهی و برابری طلبی بدل کرده است. علیه این خشونت مذهبی، یک جنبش عظیم اجتماعی، سکولاریستی و برابری طلبانه شکل گرفته و ابراز وجود کرده است. جنبش برابری طلبانه و رهایی بخش زن در ایران، یکی از جنبشهای

شکل داده است. مبارزه برای آزادی، برابری، بر علیه همه و هرگونه مظاهر خشونت و تبعیض به زن، یک وجه مشخصه ابراز وجود جهان متمدن، علیه بربریت جنسی معاصر در تمامی وجوه آن است. ستم و تحقیر به زن مارک شناسایی جمهوری اسلامی در ایران است. ایران زندان زنان است. جنبش اسلام

مقدمه:
مبارزه بر علیه ستم و خشونت به زن، به قدمت خود این ستم است. ستم بر زن یک وجه مشخصه نظام سرمایه داری معاصر و نابرابری و تبعیض همزاد آن است. مبارزه علیه این ستم و تبعیض، خواه بصورت آشکار و یا پنهان، در سراسر جهان و بویژه در جامعه ایران، به یک جنبش قوی، گسترده و اجتماعی

رهایی زن را برای پیروزی نبرد علیه خشونت به زن ساختیم!



مهروش موسوی

در نتیجه فعالیت خود، سیاستهایی که اتخاذ میکنیم، رابطه ایی که با مردم ایجاد میکنیم، سنن و روشی که برای فعالیت برمیگزینیم، برآیند آن ایجاد یک رابطه قوی، محکم و سیاسی بین ما و فعالین و رهبران عملی جنبش حق طلبانه باشد. نیمه راه را با موفقیت طی کرده ایم. اینکه این سازمان ظرف این ارتباط مستحکم و در برگیرنده طیف وسیعی از مبارزان این جنبش شود.

ضمانت همه اینها در گرو دو مسئله است. یکی تامین رهبری فعال سیاسی، بالا بردن اکتیویسم و فعالیت سیاسی و اجتماعی بر علیه خشونت به زن، دیگری تحکیم و تقویت و ایجاد یک رابطه کاملا نزدیک با مردم در این جنبش و قابل دسترس کردن این سازمان برای آنها است. در این مدت کوتاه ما تلاش خودمان را کرده ایم. هنوز تعجیل کافی نیست. هنوز ناراضی هستیم. نشریه یکی از ابزارهای ماست. حول نشریه سازمان و شبکه های گوناگون ایجاد میکنیم. تصمیم داریم یک هیئت تحریریه بزرگ، شبکه خبرنگاران، قلم زنان جوان، پخش کنندگان نشریه و ... ایجاد کنیم. ما همچنین فعالانه دنبال رادیو و تلویزیون ماهواره هستیم. یکی دیگر از ابزارهای ارتباط فعال و زنده ما با مردم، خود شخصیتهای تشکیل دهنده این نهاد است. همه یاران ما باید خود را برای مردم بیشتر از اینها قابل دسترس کنند. در مسائل جنبش همه ما باید بیش از اینها دخالت کنیم. هر تک نوشته، هر

سازمان رهایی زن را با نزدیک به ۵۰ تن از فعالین، رهبران شناخته شده جنبش برابری طلبی زن تشکیل دادیم. بیانیه اهداف ما، بطور روشنی، خواسته ها و افق ما را روشن میکند. آنچه بسیار حائز اهمیت است این است که با پرچم این اهداف، با به دست گرفتن راه، روش و سنن که مطابق با این اهداف و به اندازه خود این اهداف انسانی و رادیکال میباشد، بتوانیم در عرض مدت کوتاهی هم این اهداف و هم سازمانی را که جهت دست یابی به آن تشکیل دادیم در یک مقیاس سیاسی و اجتماعی وسیع توده ای کنیم. کاری کنیم که از طریق سازمان رهایی زن بتوان جمع شد، آگاهتر شد، اعتراض کرد، متحدتر شد، مبارزه را سازمان داد. اولین و مهمترین میزان الحارره سنجش موفقیت ما این است که هر زنی، هر دختر جوانی، دانشجویی، دانش آموزی، زن پناهجو و مهاجری، خواه در خارج و یا در داخل، به راحتی، با آسودگی خاطر، با شور و اشتیاق بتواند به این سازمان ملحق شود و آن چنان در قدم اول آن را متعلق به خود بداند که فوراً دست به کار شود، رنگ خود را به گوشه ایی از این فعالیت شورانگیز بزند. در نتیجه پیوستن او، طیفی از زنان و مردان آزادیخواه و حق طلب به دور وی و انتخاب وی جمع شوند. منبع و منشا اثر در زندگی خود و محیط پیرامون خود شوند. اگر ما موفق شویم که

بیانیه اهداف...

آزادی و برابری همه، آزادی و برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در جامعه ایران و رهایی کامل زن از ستم و تبعیض جنسی است. سازمان رهایی زن میخواهد به پرچمدار، سخنگو و رهبر این مبارزه حق طلب بدل شود. از این رو ما اعلام میکنیم که:

۱- کلیه قوانین تبعیض آلود و خشونت بار علیه زنان باید فوراً ملغی شود. آزادی و برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد، در کلیه شئون زندگی فردی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی و مدنی باید به عنوان قانون رسمی کشور بدل، اعلام و تضمین شود. حق ازدواج، طلاق، حضانت و سرپرستی کودک، جزو ابتدایی ترین حقوق برابر زن و مرد است.

۲- دست مذهب از زندگی زنان باید در کلیه شئون کوتاه شود. ستم زدایی از زن، بدون مذهب زدایی از جامعه امکان پذیر نیست. کلیه قوانین مذهبی اعم از صیغه، تعدد زوجات، دیه و... فوراً باید ملغی شوند.

۳- دولت و آموزش و پرورش باید فوراً از مذهب جدا شود. این پیش شرط مهم سکولاریزه کردن جامعه و ستم زدایی از زن است.

۴- مبارزه بی وقفه علیه مردسالاری و زن ستیزی در جامعه در همه وجوه اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی باید رسماً و قانوناً سازمان داده شود و از پشتیبانی و حمایت دولت سکولار برخوردار شود.

۵- آزادی بی قید و شرط سیاسی، حق تشکل، اجتماعات، اعتصاب و اعتراض حق همه مردم است. کلیه تشکلهای، انجمنهای زنان باید بتوانند آزادانه، بدون مجوز، بدون قید و شرط، تشکیل و مبادرت به فعالیت کنند. کلیه ابزارهای تبلیغی این تشکلات، اعم از سمعی و بصری و اینترنتی باید آزاد باشد. یک معیار وجود دولت سکولار، تضمین برخورداری این تشکلات از امکان ابراز وجود سیاسی و اجتماعی در مطبوعات، رادیو و تلویزیون و... است.

۶- برگزاری اجتماعات ۸ مارس روز جهانی زن، بدون مجوز رسمی، بدون قید و شرط، باید به رسمیت شناخته شود. روز ۸ مارس، به عنوان تعطیل رسمی باید وارد تقویم قانونی و رسمی کشور شود.

۷- حجاب اجباری باید ملغی اعلام شود. حجاب کودک جرم است، باید ممنوع شود. آزادی پوشش باید برقرار شود.

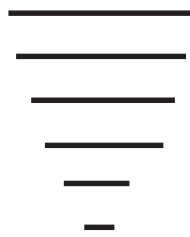
۸- آپارتاید و جداسازی جنسی ننگ بشریت معاصر است. باید ملغی شود.

۹- کلیه مجازاتهای اسلامی و از آن جمله مجازات اعدام، حبس ابد، سنگسار، قصاص، شکنجه، شلاق، همچنین دیه و خون بها فوراً باید لغو شود. هر گونه تعرض جسمی و روحی به انسان، باید ممنوع اعلام شود. مجازاتهای انتقامی باید با مجازاتهای معطوف به اصلاح مجرم و مصون داشتن جامعه از وقوع مجدد جرم جایگزین شود.

۱۰- در قوانین جزایی، تعدی و تجاوز به جسم و آسایش روحی انسانها، خشونت علیه کودکان، خشونت علیه زنان، جرائم "تاموسی" علیه زنان، جرائم ناشی از تعصب و نفرت گروهی باید جرائم بسیار سنگینتری در قیاس با تعدی به مالکیت خصوصی، تعدی به حقوق ملکی اعم از خصوصی و دولتی محسوب گردند.

تک کمپینی حواس یک گوشه جامعه را به مبتکر آن جلب میکند. به سمت ما برمیگردند. داشتن این ابزارها کافی نیست، شرط لازم این است که توانایی درو کردن بذرهایی پاشیده شده را داشته باشیم. دستهایی را که به سمت ما دراز میشود را بگیریم. شبکه ها را به هم ببافیم. زنان و مردان حق طلب در خارج کشور را فوراً و وسیعاً به عضویت سازمان در آوریم و امکان مشارکت سیاسی آنها را فراهم کنیم. مسائل زنان پناهجو مسئله ماست. نباید کنار دست ما هیچ زنی در اروپا تهدید به اخراج، قربانی خشونت و راسیسم شود. باید در هر شهری در کشورهای اروپایی خانه های رهایی زن به عنوان محلهای قابل دسترس مردم و بویژه محل ملاقات زنان باشد.

مسائل مربوط به زندگی و مبارزه زنان در داخل کشور طبیعتاً در مرکز توجه ماست. اتکا ما به گره گاهها و ابزارها و مکانیسمهای اجتماعی فی الحال موجود برای قویتر شدن، نقشه عمل بزرگی را جلو ما گذاشته است. ما میخواهیم برای نبردهای بزرگتر و بویژه برای پیروز شدن در این نبردها آماده تر شویم. برای لغو حجاب اجباری، لغو آپارتاید جنسی، برای نفی و از بین بردن کل تبعیض و نابرابری حاکم بر زندگی و فعالیت زن! در دست ما بگذارید. به ما ملحق شوید. در این شماره نشریه که از این پس هر پنج شنبه منتشر میشود با گوشه هایی از ساختمان تشکیلات ما و مسئولین آن آشنا میشوید، در شماره های بعدی بیشتر از این خود و فعالیتمان را به شما معرفی میکنیم. کمپینهای سیاسی و اجتماعی و مسائل مهم خوانندگان رهایی زن را نیز درج میکنیم.



به سازمان رهایی زن بپیوندید!

ثریا شهابی، یکی از اعضا موسس رهایی زن را بیشتر بشناسید



رهایی زن: خود را معرفی کن، چند سال داری، شغلت چیست؟ از کی به عنوان یک فعال مدافع حقوق زن فعالیت میکنی؟

ثریا شهابی: ۵۱ سال دارم. دو فرزند، یکی ۲۳ ساله و دیگری ۱۱ ساله دارم. سال ۱۳۵۳ از دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شدم و لیسانس گرفتم. از ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۳ در هواپیمایی ملی ایران بعنوان کارشناس طرح و برنامه شاغل بودم. شغل فعلی ام، فعال سیاسی و مشاور و مددکار اجتماعی زنان است. در عرضه سیاست با حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، سازمان رهایی زن و اول کودکان کار میکنم. در عرصه مددکاری اجتماعی، با زنان کم درآمد، بی مسکن، مادران تنها، زنان مورد خشونت قرار گرفته، زنان معتاد، زنان تن فروش، و زنان

با مشکلات روانی کار میکنم.

اما در پاسخ به این سؤال که «از کی به عنوان یک فعال مدافع حقوق زن فعالیت میکنم!» شروع کار من در دفاع از حقوق زنان به ۲۶ سال پیش و به انقلاب ایران بازمیگردد. سال ۵۷ از فعالین ایده ایجاد مهد کودک در محل کارم (هواپیمایی ملی ایران، هما) بودم. از فعالین هشت مارس سال ۵۸

بودم. سال ۱۳۵۹، همراه چند فعال سیاسی دیگر، چند کلاس آموزش بهداشت و سواد آموزی برای زنان و کتابخانه برای کودکان در دو محله از محلات محروم و کارگر نشین تهران (آلونک های پستی در خیابان آزادی و محله «جوانمرد قصاب» در جنوب شهر) را تاسیس کردم. این کتابخانه و کلاس ها مورد حمایت وسیع زنان و کودکان این محلات بود، که سال ۱۳۶۰ با حمله جمهوری اسلامی به فعالین چپ تعطیل شدند. سال ۱۳۵۹ از سازمان دهندگان و عضو کمیته اعتصاب هواپیمایی ملی ایران برای جلوگیری از کاهش مزایا کار و از رهبران این اعتصاب بودم. من تنها زن عضو کمیته اعتصاب و مورد اعتماد کارمندان و کارگران در آن زمان بودم.

سال ۱۹۹۲ در خارج کشور، کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران را تاسیس کردم و تا سال

۱۹۹۴ هماهنگ کننده بین المللی آن بودم. سال ۱۹۹۳ کتاب بر "زنان در ایران چه می گذرد" را نوشتم که واقعیات زندگی زنان در ایران را باز گو می کند. این کتاب بجز فارسی و انگلیسی تا کنون به پنج زبان رایج دیگر در اروپا و آمریکا و آسیا ترجمه و توزیع شده، مورد استقبال زیادی قرار گرفته و بار ها تجدید چاپ شده است.

مقالات متعددی از من در مورد مسائل زنان در نشریات مختلف چاپ شده است. سخنرانی ها و مصاحبه های زیادی در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا در مجامع و با رسانه های فارسی و خارجی زبان داشته ام. در چند کنفرانس بین المللی، از جمله پیش کنفرانس های سازمان ملل در کپنهاگ و فنلاند، بعنوان سخنران شرکت کرده ام. سخنرانی های متعدد در مراسم مختلف هشت مارس در کشورهای مختلف داشته ام.

و سال ۲۰۰۴ همراه تعدادی از فعالین، شخصیت ها و رهبران جنبش دفاع از حقوق زنان، سازمان رهایی زن را تاسیس کردیم.

رهایی زن: چگونه کار و فعالیت سیاسی ات را با مسئله نگهداری از کودک هماهنگ میکنی؟

ثریا شهابی: این کار سختی است.

اما فعالین سیاسی هم نسل من ظاهرا این هنر را خوب آموخته اند! من ۲۶ سال است فعالیت سیاسی حرفه ای بدون وقفه داشته ام. حدود بیست سال آن را بعنوان مادر هم کار و زندگی کرده ام. یاد گرفته ام که هیچکدام را به اصطلاح فدای دیگری نکنم! ضمن اینکه این شانس را داشته ام که پدر فرزندانم شریک بزرگ کردن آنها بوده است. برای من اولویت کار سیاسی و کار نگاهداری از بچه ها، هرکدام سرچایشان است. طبعاً خوب انجام دادن هر یک از این کارها به انسان انرژی بیشتری برای کار دیگری میدهد. من فکر میکنم در دنیایی که زشتی و بی عدالتی و جنایت بی داد میکند، داشتن بچه ها در صحنه زندگی، پدیده ای به این زیبایی، به انسان امید، شوق و نشاط ادامه زندگی روزمره و انرژی فعالیت مبارزاتی میدهد. فکر میکنم بدون بچه ها زندگی سیاسی ام کم ثمر تر میبود. برای من رابطه با بچه ها، اتلاف وقت نیست، این کار صرف کردن زمانی نیست که گویا میتوانستی به کار دیگری، مثلا سیاست، بزنی! برای من کار نگاهداری از بچه ها و سروکله زدن با آنها، هرگز کاری عبث و بیهوده، اتلاف وقت یا تحمیلی نبوده است! شاید کس دیگری در موقعیت من، با دید دیگری نسبت به بچه ها، زندگی سیاسی به اصطلاح پرثمرتری میداشت! من کار نگاهداری از بچه ها را چیزی در دریف «کار خانگی» نمی دانم. اگر جامعه وارونه این کار را برای زنان به یک اجبار و تحمیل تبدیل کرده، اگر جامعه سرمایه داری این کار را به «شغلی شاق» و یک «تحمیل» برای زن تبدیل کرده است، اگر آن را به کاری تبدیل کرده است که زن با انجامش خود را در آن تماما حل میکند، این نباید مانع از آن شود که واقعیت و زیبایی رابطه انسان در کار با بچه ها، هم وارونه شود. راستش فکر میکنم وارونه شدن رابطه انسان و زن با مسئله نگاهداری از کودکان، یکی دیگر از جلوه های از خود بیگانی بشر در جامعه سرمایه داری است. من شخصا کسانی، زن یا مرد فرقی نمیکند و از جمله شخصیت های سیاسی را که با بچه ها هیچ رابطه ای ندارند و با آنها مثل موجودات «فضایی» رفتار میکنند را درک نمی کنم!

رهایی زن: تو به اتفاق منصور حکمت یک نهادی را به نام اول کودکان تاسیس کرده اید، چه شد که به این فکر افتادید؟ هدف این نهاد چیست؟

ثریا شهابی: منصور حکمت در دل کمپینی که سال ۹۷ توسط فعالین کمونیسم کارگری علیه حجاب کودکان در سوئد براف افقاد و جامعه سوئد را بشدت مورد توجه قرار داده بود، بفکر تشکیل نهادی در دفاع از کودکان افتاد. منصور حکمت با نوشته بسیار ارزشمند خود در دفاع از ممنوعیت حجاب کودکان، نه تنها این کمپین را رهبری کرد بلکه پیشروی آن را در زمینه نظری و اخلاقی هم تثبیت کرد. ایده تشکیل نهادی در دفاع از حقوق کودک، در واقع نتیجه پیشروی حکمتیسم در عرصه مبارزه علیه حجاب کودکان بود. برای تثبیت این پیشروی و گسترش آن، منصور حکمت به تعدادی از فعالین این کمپین پیشنهاد کرد که نهادی در دفاع از حقوق کودکان ایجاد کنند. این نهاد عملاً تشکیل نشد و ایده منصور حکمت به نوعی بایگانی شد! تشکیل آن تا نوامبر ۹۹ و پس از اینکه من از کار دبیر فدراسیون پناهجویان و سردبیری همبستگی خارج شدم، به تعویق افتاد. ابراز علاقه من یا پیشنهاد منصور حکمت کدام مقدم بود را به خاطر نمی آورم! بهرور با منصور حکمت تصمیم گرفتیم که این نهاد را با هم تاسیس کنیم. چطور شد که به فکر تاسیس این نهاد افتادیم؟ یکی آزاد شدن من از کار فدراسیون و همبستگی بود، دیگری تصور میکنم نگرش نزدیکی بود که من و منصور حکمت نسبت به موقعیت و حقوق کودکان داشتیم. شاید بتوان گفت وجود نوعی حساسیت «افراطی»، ویژه نسبت به پیمان شدن حقوق کودکان و ریزبینی مشترک نسبت به اجزا و ابعاد این بی حقوقی، بخصوص در زمینه رابطه والدین با کودکان، تشکیل این نهاد را از بایگانی خارج کرد. هدف این نهاد این است که از حقوق همه کودکان دفاع

بیانیه اهداف...

۱۱- برقراری رابطه آزاد جنسی، حق انکار ناپذیر هر فرد بالغ، شامل همه دختران و پسرانی است که به سن بلوغ قانونی، یعنی ۱۵ سال رسیده اند. دخالت در رابطه جنسی افراد، خواه بصورت فردی یا دولتی، ممنوع است. آموزش مناسبات جنسی و آگاهی علمی به جنبه های مختلف رابطه جنسی حق همه است. برقراری رابطه جنسی توسط شوهر، دوست یا شریک زندگی با زن، بدون تمایل وی، ولو بدون اعمال خشونت ممنوع و باید جرم شناخته شود. مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرد.

۱۲- برابر کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ایی، شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی، مزد برابر در ازای کار مشابه، ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار، ایجاد تسهیلات ویژه زنان در محل کار، ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و... تنظیم و ارائه کلیه این حقوق به عنوان مفاد قانون کار و رفاه اجتماعی که متضمن بهره بری برابر زنان و مردان از رفاه و امکانات آسایش در جامعه باشد. قانون کار فعلی، ضد زن است و باید ملغی اعلام شود.

ما برای رهایی کامل زن از ستم و خشونت جنسی، از نابرابری و پیمان کردن حقوق انسانی زن مبارزه میکنیم. ما همه زنان و مردان آزادیخواه را برای دستیابی به این حقوق، به پیوستن به صفوف خود فرا میخوانیم.

۱۵ شهریور ۸۳، ۵ سپتامبر ۲۰۰۴

سازمان رهایی زن

میخواهیم در همه شهرها کانونهای

رهایی زن را تشکیل بدهیم!



مصاحبه با لادن داور مسئول تشکیلات کل کشور

رهایی زن: برای معرفی خودت اول از همه برایمان بگو که از کی فعالیت در زمینه حقوق زن را آغاز کردی؟ تحصیلات چیست؟ از زندگی خودت بگو

لادن داور: من قبل از هر چیز تشکیل سازمان رهایی زن را به زنان و مردان آزاده و رهایی طلب تبریک می گویم. من متولد سال ۱۳۳۳ هستم و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده ام. اکنون مجردم و یک دختر و یک پسر را به تنهایی و البته با سختی فراوان بزرگ کردم که هر دو تحصیلات عالی خود را اکنون به اتمام رسانده اند. از این بابت خیلی اوقات به خودم افتخار میکنم که علیرغم فشارهای متعددی که در جامعه به زنان و بویژه مادران تنها سرپرست وجود دارد، موفق شدم هم فعالیتهایم را به پیش ببرم و هم فرزندانم را به بهترین وجه بزرگ کنم. مدت تقریباً ۱۳ سال است که فعال جنبش زنان هستم و در زمینه دفاع از حقوق زنان پناهنده و علیه آپارتاید جنسی و علیه قانون فجیع سنگسار فعالیتهای زیادی کرده ام. تا کنون در کنفرانسهای زیادی که از طرف سازمانهای زنان اروپایی تشکیل شده در آلمان، سویس، هلند، دانمارک و همچنین در کنفرانس سازمانهای ان جی او در اتریش و بسیاری جاهای دیگر شرکت کرده ام. بارها در پارلمان اروپا با نمایندگان کمیسیون حقوق

بشر و کمیسیون زنان در اعتراض به اعدامها و سنگسار و قوانین ضد زن در ایران، ملاقات داشتم. تلاش و مبارزه علیه خشونت به زن و اینکه این وضعیت بواسطه این تلاشها تغییر پیدا میکند به من مثل همه زنان و مردان آزادیخواه و فعال نیرو و انرژی میدهد.

رهایی زن: چگونه میخواهید در داخل کشور فعالیت کنید؟

لادن داور: ببینید ما فعالین جنبش و جریانی هستیم با توقعات بالا. با امید و انتظار زیاد از زودمان و همه کسانی که در این جنبش دخیل هستند. ما میخواهیم که در یک کلام سازمان رهایی زن را به سقف مبارزه مشترک همه زنان و مردان آزادیخواه، کانونها، ان جی اوها، محافل و نهادهای مختلف مبارزه برای حقوق زن بدل کنیم. ببینید ای ان سی، تشکل اصلی و بستر مبارزه مردم در آفریقای جنوبی عمدتاً در خارج کشور فعالیت میکرد، ولی طوری شده بود که هر کسی، هر نهادی در آفریقای جنوبی علیه آپارتاید مبارزه میکرد خودش را به این جریان متعلق میدید. ما میخواهیم کاری کنیم که ای ان سی مقابله با آپارتاید جنسی در ایران شویم. میخواهیم پس از سالها تلاش نهادها، تشکلات و کانونها و مراکز مختلف مربوط به حق زن در داخل و خارج کشور، سقف مشترکی برای این جنبش، برای نمایندگی کردن خواستههای ایجاد کنیم. طبیعتاً در داخل کار زیادی داریم. فعالیت ما در داخل کشور به شیوه های مختلفی انجام می شود، از قبیل فراخوان تشکیل کانونهای رهایی زن، شرکت فعال و دخالتگر فعالین ما در سازمانها و تشکلهای غیر دولتی مختلف زنان، پخش نشریه و معرفی سازمان

رایج موجود، ما التزام داریم که افراد مشتاق را پیدا، خودمان را برای آنها قابل دسترس کنیم و کاری کنیم که هر فردی بتواند راحت و مستقیماً ما تماس بگیرد. تلفن تماس و آدرس ای میل ما در نشریه و سایت ما موجود است. این آدرس و شماره تلفن را همه جا پخش میکنیم. همین جا فعالین حقوق زن را فرامیخوانم که همه جا، در تلفنهای عمومی، پارکها، محل تردد مردم شماره تلفن و ایمیل من را بزنند، به امضا رهایی زن!

رهایی زن: رابطه خود را با کانونها و محافل و ان جی اوهای فی الحال موجود زنان چگونه تعریف میکنید؟ لادن داور: ما خواهان تماس و رابطه دوستانه با همه کانونها، محافل، مراکز، انجمنها و ان جی اوهای زن در داخل کشور هستیم.

تعدادی از آنها بواسطه دوستان و فعالین خود ما برپا شده اند. ما سعی می کنیم با اکثر سازمانها و تشکلات غیر دولتی در داخل کشور تماس بگیریم و نظراتمان را در مورد مسائل مختلف زنان به آگاهی

آنها برسانیم و سازمان خودمان و جنبش رادیکالی را که به آن تعلق داریم به آنها معرفی کنیم. در عین حال بیشترین تلاش را میکنیم که به رفع موانع فعالیت این نهادها از هر نظر کمک کنیم. ما همچنین خواستار یک رابطه و نقد متقابل صمیمانه هستیم. در همین هفته گذشته در گفتگویی با مسئولین یکی از نهادهای حقوق زن در یکی از شهرستانها، نقد ما به نقصانها و گزاشات بازدارنده سد فعالیت

این یاران ما، باعث شعف و خوشحالی دست ابردرکاران این نهاد شد. انتقال تجربه و یک کار مستمر و هماهنگ تنها در این بستر ممکن است. ما جریانی رادیکال در جنبش برابری طلبی زن هستیم. خواهان مجهز کردن جنبش به افق و سیاستهایی هستیم که راه پیروزی مبارزه حق طلبانه را هموار میکند. سازمان بازی هستیم، علیرغم دوری و نزدیکیهایمان برای ما اصل بر این است که یک مبارزه قوی و گسترده، منسجم را بر علیه خشونت به زن سازمان دهیم.

رهایی زن: چگونه میشود کانونهای رهایی زن را در شهرهای مختلف ایجاد کرد؟

لادن داور: بدو باید بگویم که فراخوان ما پیوستن و همکاری با

تشکلهای فی الحال موجود معترض و حق طلب زنان است. در عین حال تلاش میکنیم که هر جمعی از زنان را که بیش از ۵ نفر باشند را فراخوانیم که فوراً کانون رهایی زن را در محل کار و زندگی خود برپا کنند. با ما تماس بگیرند. نشریه را پخش کنند، با نشریه همکاری کنند. به کمک زنان و دخترانی که قربانی خشونت شده اند کمک کنند. در محیط فعالیت خود هم به لحاظ اجتماعی و هم به لحاظ سیاسی تاثیر گذار باشند. در اعتراضات جاری شرکت و سعی در هدایت آن بکنند. این کانون می تواند حتی اعضای یک خانواده باشد و یا تعدادی همکلاسی، یا همکار، یا همسایه و یا دوست و فامیل باشد. در فرصت دیگری در این باره مشروحا صحبت خواهیم کرد.

رهایی زن: همکاران خود را در بخش داخل کشور معرفی کنید؟ لادن داور: همکاران من در حال حاضر مهرنوش موسوی، پری زارع، فوزیه خالدیان و مینو همیلی می باشند.

رهایی زن: فراخوان شما به زنان و دختران جوان، به مردان آزادیخواه در داخل کشور چیست؟

لادن داور: فراخوان من به همه انسانهای آزادیخواه این است که به ما بپیوندند و این جنبش رهایی بخش، رادیکال و سکولار و برابری طلب را تقویت کنند. از نظر ما هر حرکت و اقدامی ولو کوچک، گامی است در جهت رهایی زن و بشدت انسانی و برای ما بسیار ارزش دارد.

سایت سازمان رهایی زن

بزودی اکتیو می شود

www.rahai-zan.com

نشریه بی خدایان را بخوانید

www.bikhodayan.com

ثریا شهابی...

کند. و در دفاع اش هیچ ملاحظه ای مثل جنسیت و نژاد و مذهب و ملیت و ایدئولوژی را به رسمیت نمی شناسد. به همین خاطر هم نامش اول کودکان است. ما معتقدیم که منافع کودکان باید مقدم بر هرمنفعتی در جامعه باشد. برای آشنایی بیشتر با اول کودکان به خوانندگان نشریه تان توصیه میکنم که به سایت اینترنتی ما سر بزنند www.childrenfirstinternational.org

رهایی زن: در کار و فعالیت و زندگی روزمره چقدر با مسئله تبعیض و ستم به زن رو در رو میشوی؟

ثریا شهابی: در مورد تبعیض، خیلی زیاد. شاید بهتر است بپرسید که آیا روزی هست که با شکلی از این تبعیض روبرو نشوی؟ من به «هویت جنسی»، «تجربه و تحلیل جنسی»، «نگاه جنسی به مسائل اجتماعی و سیاسی» و خلاصه این فرمولبندی های رایج در بین فعالین حقوق زنان، اعتقاد ندارم. هویت من طبعاً انسان است و مخالف زدن عینک جنسیتی بر چشم در دین دنیا و محیط پیرامون و قضاوت و ارزیابی از آدمها هستم. اما در دنیا واقعی روزی نیست که جامعه و سیستم، از کوچه و مدرسه بچه ات تا سرکار و توی فروشگاه و کتابخانه، تو را جنس کم ارزش تر نداند! بقول منصور حکمت دزیایی است که زن را در هزار و یک راه و رسم و قانون و سنت زمخت و ظریف، قابل ستم و کم ارزش تعریف کرده است! از نگاه نگران عابری که شما را بعنوان «زن» و نه «راننده» پشت فرمان می بیند، تا تعجب و آفرینی که تعمیرکار ماشین نسبت به اندک دانش فنی تان نثارتان میکند، از کم تحملی محل کار در مقابل انتظار انعطاف ساعت کار به خاطر رسیدگی به بچه ها، تا تماشای تلویزیونی که از اخبار تا ورزش، ۹۰ درصد سازندگان سوژه های آن مرد هستند، از تماشای دختر بچه های کوچکی که برسرشان حجاب کرده اند، تا رد شدن از کنار زن تن فروشی که بدنبال مشتری میگردد، همه و همه میتواند اجزا آزار دهنده و تبعیض آمیز، تشکیل دهنده یک روز انسانی باشد که نه تحت حاکمیت اسلامی که در بطن «تمدن» غرب

زندگی میکند.

رهایی زن: اولین بار از زبان تو جمله ای بیان شده که تابو شکنی است، گفته ای که ترجیح میدهم همسایه ام یک زن تن فروش باشد تا یک آخوند! منظورتان چه بود، با چه عکس العملهایی مواجه شدید؟

ثریا شهابی: خواستم بگویم که تن فروشی هم شغلی است و شاغل آن هم شهروندی است مثل همه شهروندان و باید محترم باشد. و در قیاس با صاحبین برخی مشاغل، مثل آخوندی که از نظر من شغل انگلی است، زن تن فروش بسیار محترم است. میدانستم که این اظهار، سیلی از حملات عقب مانده را براه میاندازد، که انداخت! عکس العمل به این جمله در ردیف همان نوع برخوردی بود که به خود زنان تن فروش میشود. اساساً از جانب سیاسیونی که به اصطلاح میخوانند ریشه تن فروشی را بخشکانند، صورت گرفت. گفتند که شما طرفدار تن فروشی و اشاعه فحشا هستید. این عکس العمل های عقب مانده باعث شد که همان تابو بشکند و بتوان در فضایی آزاد در مورد تن فروشی صحبت کرد. در چند رفت و برگشت انتقادی معلوم شد که مخالفین این اظهار من، طرفدار ممنوع شدن تن فروشی بعنوان شغل فردی هستند. وقتی از آنها میپرسیدید که خوب ممنوع شدن باید مجازات و دستگیری بدنبال داشته باشد و در این صورت راه مقابله شما هم با تن فروشی، قربانی کردن قربانیان تن فروشی است، یعنی همان کاری که همه سیستم های ضد زن و مردسالار میکنند، پاسخی نداشتند!

به اعتقاد من تن فروشی شغلی نیست که کسی به اختیار آن را انتخاب کرده باشد.

و من موافق رفع ممنوعیت از این شغل بعنوان شغل فردی هستم. در عین حال خواهان ممنوعیت فعالیت شبکه های سازمانده فحشا هستم. شبکه ها و باندهایی که از قبل کار تن فروشان ارتزاق میکنند باید ممنوع شوند. بهر رو به اعتقاد من برای حمایت از زنانی که به تن فروشی کشیده میشوند، باید قبل از هرچیز در مورد آن گفت و نوشت و از این قربانیان اعاده حیثیت کرد. جمله من در خدمت

اعاده حیثیت از این زنان بود. و تلاشی بود برای دادن تصویری انسانی و محترم از این زنان!

رهایی زن: مهمترین مطلب تو که با استقبال بسیاری بویژه در نزد افکار عمومی غربی مواجه شده است، مطلبی است به نام «حجاب هیچگاه اختیاری نیست». آیا علت نوشتن این مطلب این بود که از دست تبلیغات یک جانبه روی «آجاری» بودن حجاب، به تنگ آمده بودی؟

ثریا شهابی: علت نوشتن این مطلب آن بود که در آن زمان در سوئد موضوع حجاب زنان در مشاغل عمومی و مدارس مطرح شده بود. مدیای محافظه کار و سیاستمداران طرفدار نسبیت فرهنگی، هریک به نوعی تلاش میکردند که مسئله حجاب را چیزی در ردیف لباس زنان قلمداد کنند. با به اصطلاح لباس قلمداد کردن حجاب و با طرح مسئله آزادی انتخاب پوشش، تلاش داشتند که مانعی در مقابل کمپین ما در سوئد علیه حجاب بسازند. من در این نوشته سعی کردم که نشان دهم که صحبت از اختیار و آزادی زن در انتخاب حجاب، پوچ است. صحبت از انتخاب پوشش برای زنی که گرفتار محیط اسلامی است، عوامفریبی بیش نیست. این نوشته با دو نوع عکس العمل روبرو شد، بسیاری آن را ابزاری صحیح در مقابل نسبیت فرهنگی و موافقین حجاب دانستند و نامه های تشویق آمیزی در این مورد نوشتند، آن را در سایت های مختلف پخش کردند و به آن استناد کردند. عده ای هم که با طرفدار اسلام سیاسی بودند یا متأثر از آن نوشته را شدیداً مورد حمله قرار دادند.

رهایی زن: وقتی عصبانی میشی چه کار میکنی؟ سیگاری هستی؟

ثریا شهابی: این سؤال خیلی خصوصی است. شاید بهتر است از اطرافیان پرسیده شود. قطعاً آنها بی طرف تر میتوانند در این مورد نظر بدهند. عکس العمل در عصبانیت همیشه شکل مطلوب عکس العمل نیست. نه سیگار را مدنظر است بعنوان یک اعتیاد، نه تفنن، ترک کرده ام. راست اش از عصبانیت خود خوشم نمی آید.

گاهی اگر بتوانم بیرون می روم، تنهایی کاری میکنم. از نظر فیزیکی خودم را مشغول میکنم. بقول پسرم سعی میکنم در عصبانیت قبل از هر عکس العملی «نفس عمیق بکشم و فکر کنم!». این توصیه پسرم است که از سن هشت سالگی به من هنگام عصبانیت کرده است. مینبید که بچه ها چه درهایی در کنار آمدن بر مشکلات زندگی را بیرونتان باز میکنند!

رهایی زن: نظرت راجع به این جمله چیه «مرد از دامن زن به معراج رسیده است»؟

ثریا شهابی: حتماً جمله ای است در ردیف اینکه گفته میشود، زن خوب فرمانبر پارسا، کند مرد درویش را پادشاه. مردسالا و ضد زن است. ضمن اینکه بار اسلامی کلمه معراج زشتی آن را بیشتر میکند. اهمیت زن در بالا بردن مرد است. از این بهتر نمی توان خاصیت انسانی و هویت مستقل کسی را پایمال کرد. ارزش مصرف زن در خدمت کردن به مرد است!

رهایی زن: اگر بهت بگویند فمینیست چی میکنی؟

ثریا شهابی: در غرب به هر کس که در راه منافع زنان کار میکند میگویند فمینیست. این استفاده درستی از این واژه نیست. اگر کسی به من بگوید فمینیست، سعی میکنم متوجه شوم و او را متوجه کنم که آیا منظورش یک فعال حقوق زن است؟ یا منظورش فمینیست از نظر فکری و نظری است؟ جواب متناسب با برداشت و درک کسی که به من میگوید فمینیست فرق میکند. اگر مرد مسلمان ریشوی تسبیح به دستی که هنگام حرف زدن با زن، گویی با کسی که بیماری واگیری دارد، رفتار میکند و سرش را هم پائین می اندازد، به من بگوید فمینیست، میفهمم که تصویر خیلی رادیکالی از فعالیت ام در دفاع از حقوق زنان ارائه داده ام. اگر یک فعال جنبش زنان و یا در گفتگویی در باره مطالبات این جنبش به من عنوان فمینیست اطلاق شود، توضیح میدهم که من ضمن اینکه خود را فعال رادیکال و سوسیالیست این جنبش میدانم، اما خود را فمینیست نمی دانم. عینک جنسیت بر چشمانم

ندارم، تجربه و تحلیل جنسی از اتفاقات جهان ندارم، مردان را ریشه نابرابری زن و مرد نمی دانم و

فمینیسم جنبشی بسیار متنوع و با دامنه بسیار وسیعی است. در آن از ایده نفرت از مرد و ممنوعیت ورود مرد و قبول حجاب زن هست تا ایده های سوسیالیستی و برابری طلبانه و کمونیستی! این جنبشی است که در غرب هم در کنار مبارزه فقرا، بی مسکنان، دفاع از کودکان و سالمندان، هم جنس گرایان و اقلش حاشیه ای و بی حقوق جامعه قرار میگیرد و هم بخش هایی از آن این ظرفیت را نشان داده اند که در کنار اسلام سیاسی در دفاع از حجاب و نسبیت فرهنگی هم قرار میگیرند.

رهایی زن: چه تصویری داری از آینده نزدیک فعالیت رهایی زن؟

ثریا شهابی: وقتی به لیست اسامی کسانی که این نهاد را تأسیس کرده اند، نگاه کنید، وقتی به سنت و تجربه و افقی که این نهاد بر متن آن تشکیل شده است، نگاه میکنید، جز امیدواری به آینده این نهاد نمی توانید نتیجه بگیرید. من تصور میکنم که این نهاد، اگر خوب کار کنیم این ظرفیت را دارد که بتواند تشکلی باشد که در آینده صدها هزار زن معترض را در ایران گرد خود جمع کند! سازمان رهایی زن، توسط کسانی تأسیس شده است که عزم کرده اند که برای خلاصی زنان ایران از چنگ بختک اسلامی سازمانی توده ای بسازند که هر زنی که میخواهد برای رهایی خود قدمی بردارد، بتواند این ابزار را بدست بگیرد. من به موفقیت این پروژه به اندازه اعتقاد به موفقیت جنبش آزادی و برابری زن، معتقدم. و همینجا دست مهربان موسوی دوست عزیزم، به خاطر هدایت این پروژه را به گرمی میفشارم و برایش از صمیم قلب آرزوی موفقیت میکنم. و همه زنان، دختران، و مردمی که از تبعیض و بی حقوقی و تحقیر زن در ایران به تنگ آمده اند را فرامیخواهم که به این سازمان بپیوندند.

زنده باد آزادی
زنده باد برابری

مصاحبه با ناهید ریاضی مسئول روابط بین المللی سازمان رهایی زن



رهایی زن: اول از همه دوست داریم خود را معرفی کنی. چند سال داری، شغلت چیست و در زمینه حقوق زن چه فعالیتهایی داشته ایدی؟

ناهید ریاضی: من ۳۸ سال دارم و چند سالی بعنوان مربی کودکان و نوجوانان کار کرده ام و در حال حاضر در حال ادامه تحصیل در زمینه پداگوژیکی جامعه شناسی هستم. در زمینه حقوق زنان سالها و از دوران بسیار جوانی ام مشغول فعالیت بوده ام. بخصوص بعد از خروج از ایران، فعالیت بین المللی برای حقوق زنان در ایران، بخش عمده ای از فعالیتهایم را به خود اختصاص داده است. همچنین فعالیت در زمینه حقوق زنان و کودکان مهاجر بخش دیگری از فعالیتهای من بوده است. دخالت فعال و قلمزنی و سخنرانی در مسائل مربوط به حقوق زنان و کودکان، دایر کردن یک مرکز مشاورت برای زنان خشونت زده، برگزاری کنفرانسها، تظاهراتها و آکسیونها چه در رابطه با مسائل زنان مهاجر و چه مسائل مربوط به زنان در ایران جزو فعالیتهایم در روتین من بوده است.

رهایی زن: مسئول روابط بین المللی سازمان رهایی زن چه وظایفی دارد؟ چه می خواهید بکنید؟ ناهید ریاضی: مبارزه برای آزادی و رهایی زنان و حقوق برابر آنان

از پشتیبانی و توجه مردم برخوردار بود، برای مبارزه با آپارتاید جنسی در ایران توجه ما را جلب و برای جنبش رهایی زن در ایران پشتیبانی بین المللی جلب نماییم. ما با انتشار نشریه به زبان انگلیسی و دایر کردن دفتر روابط بین المللی خود، به سرعت در حال تمرکز و سازمان دادن این روابط هستیم. از سوی دیگر وجود شخصیت های شناخته شده حقوق زن در عرصه بین المللی از جمله خود من که در سطح کشورهای اسکانیناوی در نزد افکار عمومی شناخته شده هستم، هوزان محمود ریگا رثوف و هلاله رافع و سارا محمد که از یاران ما در جنبش برابری طلبانه در عراق هستند و در سطح بین المللی شناخته شده هستند، مهنوش موسوی که خود عضو شورای مرکزی ۱۲ نفره متشکل از نزدیک به ۴۰ سازمان و نهاد مربوط به حقوق زن هم در آلمان و کشورهای اروپایی میباشد، ثریا شهابی، فخری نادری، گلاریژ قادرزاد که مسئول کمپین بین المللی علیه قتل های ناموسی است و تاکنون در غالب مطبوعات مهم بین المللی تلاش معرفتی شده است، اعظم کم گویان که علاوه بر ایران، در سطح بین المللی نیز شناخته شده میباشد و بنیانگذار کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه است و جمع کثیر دیگری از فعالین ما، این امکان و ماتریال انسانی را برای ما فراهم می آورد که این تجربه عظیم را و این مقبولیت و محبوبیت موسسین سازمان رهایی زن را همگی پشتوانه جلب حمایت و همبستگی بین المللی جنبش در سراسر دنیا، از جنبش حق طلبانه زن در ایران و همچنین در سایر کشورهای اسلام زده، همچون عراق و افغانستان و .. بکنیم.

رهایی زن: چه نمونه های قابل دسترسی دارید که این نوع فعالیت، بطور ملموسی بر موقعیت زنان بویژه در ایران سهم گذار بوده است؟ بگذارید قبل از هر چیز بگویم برای خود من که سالها در خارج از ایران بر سر مسائل مختلف مربوط به موقعیت و حقوق زنان در ایران فعالیت کرده ام، اگر این فعالیتها برایم محسوس نبود و اگر نتیجه آن را نه فقط در سطح

تاثیرات بین المللی آن بلکه تاثیرات آن در خود ایران و حتی در سرنوشت زنانی که مثلاً قرار بوده سنگسار و یا اعدام شوند، نمی دیدم، آنوقت حتما فکر دیگری برای ادامه این مبارزه می کردم. اما واقعیت اینست که تلاش برای جلب توجه بین المللی، فشار به دولتها و نهادهای دولتی برای متوقف کردن اعدام و سنگسار کسی و یا اجرای برخی قوانین توسط رژیم اسلامی، اعتراضات وسیع مردم در کشورهای غربی با فرستادن امضاهای اعتراضی به رژیم اسلامی و یا به نهادهای بین المللی، و نتایج بسیار محسوسی داشته است. اگر بعنوان مثال بخاطر فشارهای بین المللی و جلب افکار عمومی و اعتراضات مردم در خارج ایران نبود، امروز حکم اعدام افسانه نوروژی لغو نشده بود و اجرای قانون سنگسار به رژیم اسلامی تحمیل نشده بود. اگر مبارزه بین المللی بر سر حقوق زنان در ایران نبود، نماینده های رژیم اسلامی ایران توانسته بودند به مردم جهان بقبولانند، که گویا زنان در ایران از موقعیت اسفناک و غیرقابل تحملشان راضی هستند و از وجود قوانین ضد زن اسلامی خشنودند. حضور و افشاکاری از نمایندگان جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی و نشان دادن چهره واقعی آنها و آنچه که آنها بر سر زنان در ایران می آورند و افشای قوانین ضد زن اسلامی این رژیم، توانست بسیاری از این نمایندگان را در سطح بین المللی و در کنفرانسها و تجمعهای غیر دولتی بین المللی کاملاً ترد و افشا کند. این خود کمک بزرگی به جنبش زنان در ایران بود و هست، که نمایندگان جمهوری اسلامی، خود را به جای نمایندگان آنها جا نزنند. همچنین اعتراض ما در مقابل کمیته صلح نوبل، وقتی که این کمیته با دادن جایزه نوبل به شیرین عبادی، می خواست عبادی را نماینده خواست زنان در ایران معرفی کند. این اعتراض، بلند کردن صدا و خواست واقعی جنبش برابری طلبانه زن در ایران بود. اعتراض ما ضمن اینکه سیاست کمیته صلح نوبل را که میخواست با دادن این جایزه به عبادی، اعلام کند که زنان در ایران و در خاورمیانه مسلمانند و شایسته آن آزادی نیستند که امروز

در غرب وجود دارد افشاء کرد و مردم جهان را متوجه صدای آزادیخواهانه و رادیکال زنان در ایران نمود. عقب نشینی های رژیم بر سر اجرای قوانین زن ستیزش، از یک سو بخاطر فشار و مقاومت و اعتراض زنان در ایران و از سوی دیگر اعتراضات و فشارهای بین المللی است، وگرنه امروز ایران به افغانستان دوران طالبان تبدیل شده بود.

رهایی زن: چگونه میشود با شما تماس گرفت؟ چه فراخوانی به کمک و همیاری به خود در این زمینه دارید؟

ناهید ریاضی: سازمان رهایی زن بزودی سایت خود را به راه می اندازد همچنین از طریق آدرسهای که در این نشریه بچاپ می رسد، می توان با من تماس گرفت. من از تمام کسانی که میخواهند به جنبش برابری طلبانه و برابری و آزادی و رهایی زن در ایران بپیوندند، دعوت می کنم که به سازمان رهایی زن بپیوندند. به مبارزه برای آزادی و رهایی زنان در ایران، می توان از هر نقطه جهان، پیوست. هر زن و مردی که از آپارتاید جنسی بیزار است، ستم و تحقیر بر زن را در شان انسان نمی داند، آرزو می کند که میلیونها زنی که در ایران زندگی می کنند آزاد باشند و شرایط انسانی ای داشته باشند، می تواند و باید به جنبش برابری طلبانه در ایران بپیوندد. سازمان رهایی زن ظرفی است که میتوان از آن طریق به این جنبش پیوست و برای رسیدن به اهداف آن تلاش کرد. با پیوستن به سازمان رهایی زن، حداقل می توان پشتیبانی خود را از این جنبش و از کسانی که برای خواستههای آن تلاش می کنند، اعلام کرد و نشان داد. من از خوانندگان نشریه، در سراسر دنیا دعوت می کنم که با ما تماس بگیرند و به ما بپیوندند.

هفته نامه اول کودکان

را بخوانید

www.childrenfirstinternational.org

گفتگو با پری زارع از فعالین

حقوق زن در تهران، از اعضا

هیئت موسی سازمان رهایی زن!



فراخوان اعظم کم گویان به زنان و مردان آزاده! به رهایی زن پیوندید!

آزادی از خشونت، آزادی از نابرابری در زندگی جنسی و آزادی برابر بودن.

رهایی زنان سنگ بنای یک جامعه آزاد و برابر است. آزادی زنان معیار آزادی جامعه ایران است و این حقیقت امروز بیش از هر زمان دیگری مصداق پیدا کرده است. زنان پیش قراولان یک جنبش عظیم آزادیخواهی در ایران هستند که می خواهد دست مذهب را از زندگی مردم کوتاه کند، می خواهد سنگسار و صیغه و دیه و حجاب و تعدد زوجات و تحقیر زن و خشونت را به گذشته تبدیل کند، می کوشد رهایی فرهنگی ببار بیاورد، می خواهد یک رابطه انسانی و مبتنی بر عدالت و برابری بین زن و مرد را به قانون جامعه تبدیل کند و خود را و جامعه را آزاد کند. آری با آزادی زنان در ایران جامعه آزاد می شود و زنان رکن مهم مبارزه حق طلبانه برای رهایی و انسانیت هستند.

زنان! آزادیخواهان!

ما به جنبشی تعلق داریم که می خواهد زنان و کل جامعه را از چنگال کریه ناموس پرستی، گذشته پرستی، زن آزاری و خشونت و سنت پرستی و عقب ماندگی نجات بدهد. به رهایی زن پیوندید تا مبارزه حق طلبانه برای رهایی از خفت و تحقیر و ستم بر زن را با قدرت بیشتری به پیش ببریم زن ستیزی را به گذشته تبدیل کنیم.

زنده باد آزادی و برابری
۹ سپتامبر ۲۰۰۴

بود که ما مبیایست برای دو دوره ۶ ماهه بصورت موقت و آزمایشی فعالیت میکردیم و پس از این یک سال، اگر کارهایمان مورد تایید قرار میگرفت مجوز فعالیتمان دائمی میشد، این موقتی و تحت نظر بودن، خود مشکلات جانبی ای را پیش میآورد و نمیشد با دست باز کار کرد. البته ما در این مدت ۳ ساله قبل و بعد از گرفتن مجوز منتظر مجوز و دائمی شدنش ننشستیم و به کار و آگاهسازی و سازماندهی در میان زنان مشغول بودیم. همچنین با دیگر نهادهای زنان، جوانان، محیط زیست، ورزشی و فرهنگی و غیره که در این دوره شکل گرفته بودند همکاری داشتیم و به برگزاری و سازماندهی گردهماییهای زنان در سالگردها و مناسبتهای مختلف در تهران و شهرستانها کمک میکردیم. یا خود مستقلا به این اقدامات دست میزدیم.

رهایی زن: نظرتان در باره این چیست که اغلب تشکلهای مدافع حقوق زن برای گرفتن مجوز باید ثابت کنند که سیاست گریز "هستند؟ پری زارع: به نکته مهمی اشاره کردید. در سوال قبلی گفتیم که اعضا گزینش میشوند، هر نامی را نمیتوان برای تشکل انتخاب کرد، مجوز ابتدا به شکل موقت صادر میشود و... همه اینها دقیقا برای حصول اطمینان از سیاسی نبودن حرکت و اعضای پیشبرنده آن است. همچنین یک بند از اساسنامه تشکلهای که توسط وزارت کشور تدوین میشود عدم دارا بودن هر نوع گرایش سیاسی و لزوم پایبندی کامل به مفاد اساسنامه و رعایت چارچوب آن است. ناگفته نماند که این سختگیرانه بیشتر در مورد تشکلهای زنان و پاره ای دیگر از تشکلهای غیر دولتی اعمال میشود نه همه آنها. در ادامه کار هم مجراهایی در وزارت کشور در نظر گرفته شده که کار گزارش دهی و نظارت دائمی بر فعالیت آن جی او ها را بعهده دارند. با وجود همه اینها حرف زدن از حقوق زن با قوانین موجود در جامعه ارتباط

رهایی زن: خودت را بیشتر معرفی کن، چند سال داری؟ و یا تحصیلاتت چیست و از کی فعالیت در جهت احقاق حقوق زن را شروع کردی؟

پری زارع هستم. ۳۳ سال سن دارم. فوق لیسانس جامعه شناسی هستم و در دانشگاه تدریس میکنم. مشخصا از سال ۷۴ با شخصیتها و فعالین مدافع حقوق زن که در آن موقع همه بصورت پراکنده و غیر متشکل کار میکردند آشنا شدم و همفکری و همکاریهایی را باهم شروع کردیم.

رهایی زن: تا آنجا که خبر داریم، تو خودت موسس یکی از ان جی اوهای بزرگ و موثر زنان هستی، برای ایجاد این تشکل با چه موانعی روبرو بودی؟

پری زارع: بله. متأسفانه بیشترین مشکلات و موانع برای کسب مجوز فعالیت بر سر راه ان جی او هایی است که در زمینه حقوق زنان بخواهند فعالیت کنند. در حالیکه درحیطه های دیگر بطور مثال محیط زیست، ورزشی، امور خیریه، فرهنگی، اجتماعی، ادبی و ... در عرض کمترین مدت مجوز فعالیت داده میشود. بطورکلی در اینجا پروسه گرفتن مجوز برای هر نوع کار و فعالیت در عرصه های اجتماعی با موانع جدی در دم و دستگاههای مختلف دولتی همراه است که خود یکی از موانع اصلی است.

بهر حال من به همراه چند تن از دوستانم در سال ۷۶ برای گرفتن مجوز تاسیس یک تشکل غیر دولتی و مستقل زنان، دست بکار شدیم و پس از دو سال آمد و رفت و دوندگی به ادارات مختلف توانستیم تشکلمان را ثبت کنیم. بد نیست بدانید که فقط پروسه گرفتن تاییدی و عدم سوء پیشینه اعضا هیات موسس بیش از یک سال به طول انجامید. مشکل دیگری که ما با آن برخوردیم بر سر نام تشکل بود. مسولین دولتی نسبت به هر نوع اشاره به حقوق زن در نامگذاری تشکل به شدت حساسیت نشان میدادند. مسئله دیگر ما مثل اکثر تشکلهای دیگر این

مستقیم داشته و خود بخود در مخالفت با این قوانین است. قوانینی که با حقوق انسانی زن متناقضاند. از جمله در مورد موقعیت نابرابر حقوقی و اجتماعی زن و مرد، جدا سازی زن و مرد در اتوبوسها، غذاخوری ادارات و دانشگاهها و برنامه جنسیتی کردن حتی پارکها و کلاسهای دانشگاهی، طرح حصار کشی مدارس دخترانه، مسئله پوشش و بخصوص فشارهای اخیر بر زنان و جوان در این رابطه، قوانین خانواده، ازدواج، طلاق، حضانت، و بسیاری موارد دیگر. بحث بر سر اینها همواره نقطه چالش و برخورد ما با نظام بوده و یکی از مشکلات اساسی کار ما است. آنها میخواهند که ما کاری به سیاست نداشته باشیم، در حالی که خودشان در مرکز سیاستشان زن ستیزی دائمی قرار دارد. همه میدانند که مسئله زن در ایران یک مسئله کاملا سیاسی است. این یک اهرم فشار است برای اینکه زنان را از دخالت سیاسی در سرنوشت خود عقب برانند، تمام هنر فعالین و رهبران جنبش برابری طلبانه این است که زیر حجاب این اختناق، از امکانات موجود، ولو اندک، بهره بجویند و جنبش را در محل متشکل کنند.

در عین حال مبیایست با رسوخ چنین تفکری که عمدتا و بویژه در دوره های قبل از جانب دوم خردادها پخش میشد که مسئله زنان صرفا فرهنگی است و مانند ارکستری نظام را همراهی میکردند مبارزه فعال میشد که خوشبختانه الان از این جهت در موقعیت بهتری هستیم.

رهایی زن: از نظر تو چه رابطه ضروری میان این تشکلهای با هم و این تشکلهای با ما باید ایجاد شود؟ پری زارع: متأسفانه اغلب کانونها و انجمنها و ان جی اوهای زنان در ایران از فقدان یک رابطه همبسته اجتماعی و همیاری مادی و معنوی چه در درون خود و چه در ارتباط با نهادهای زنان در خارج کشور رنج میبرند. عامل این امر هم نبود آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، حق بیان و تشکل است. ببینید ما حتی نمیتوانیم آزادانه اقدام به برپایی کنگره سراسری زن بکنیم، امری که مدتهاست فعالین و رهبران جنبش در ایران در باره آن اندیشه و با هم مشورت میکنند.

**بقیه از صفحه ۷
گفتگو با پری...**

با این وجود همه ما بعنوان فعالین حقوق زن چه در داخل و چه در خارج صرف نظر از هر گونه اختلاف در نظرات و روشها، در عرصه کارمان، یعنی زنان، مشترکیم. این امر بطور اتوماتیک یک نوع ارتباط کاری نانوشته ای را میان ما ایجاد میکند. تا آنجا که به داخل مربوط میشود من فکر میکنم تشکلهای هم خط و همسو که خود را سخنگوی بخش آگاهتر زنان و جوانان جامعه میدانند باید به یک نوع توافق در نحوه فعالیتشان دست پیدا کنند. به این صورت که هر چه بیشتر در جهت بالا بردن آگاهیهای جامعه گام بردارند. این نوع همکاری ممکن است و در حال حاضر نیز بطور موردی و محدود در جریان است که باید در سطح سراسری گسترش یابد. در ارتباط با سازمانهای خارج میتوان از تبادل اطلاعات با همدیگر، انعکاس شرایط و موقعیت ناگوار زنان ایران و همچنین انعکاس اعتراضات اجتماعی آنان به خارج کشور، جلب حمایت و پشتیبانی آنان از فعالین داخل و جلب کمکهای مالی برای آنها نام برد. در ایران تشکلهای مستقل زنان از جانب دولت هیچ نوع کمک مالی دریافت نمیکند. اجازه بدهید بگویم که از نظر من مبارزه ما در داخل و خارج کشور، اجزای یک پیکر واحد است.

رهایبی زن: در چه زمینه هایی شما بیشترین امکان را دارید که فعالیت بکنید؟

پری زارع: در خصوص کار اجتماعی با زنان و جوانان هزار و یک کار میتوان کرد. ما بیشترین امکان در در زمینه مبارزه اجتماعی بر علیه خشونت به زنان داریم. زنان در موقعیت بسیار دشواری در خانواده و جامعه قرار دارند، خشونت علیه زنان در ابعاد گوناگون پیدا میکند، آمار خودکشی و خودسوزی در میان زنان و دختران جوان تکاندهنده است، تن فروشی بخاطر فقر مطلق و برای سیر کردن شکم فرزندان بیداد میکند، تخقیر و اهانت به زن به امری عادی و روزمره تبدیل شده است، هیچ قانونی برای دفاع از حقوق زن وجود ندارد، مردسالاری و افکار عقب مانده علیه زنان با

اتکا به سنتهای کهنه نهادینه شده است، مسله دختران فراری و بچه های بی سرپرست خیابانی" به پدیده ای روزمره و فزاینده در شهرهای بزرگ تبدیل شده است، اعتیاد در بین جوانان دختر و پسر حتی در مدارس یک خطر جدی است که نسل کنونی را تهدید میکند و..... همه اینها جواب و راه حل میخواهند. چطور میشود جلو این موج تحقیر و توهین به زن و نابرابری و تبعیض و تباهی نسل جوان را گرفت؟

به نظر من جواب در ارائه راه حل در مقابل اوضاع است. یک راه حل را خود جامعه ارائه داده است و آن هم مبارزه و مقاومت است. وظیفه ما سازمان دادن و افق دادن به این اعتراضات است.

نکته امیدبخشی که در رویارویی با این وضعیت اسفناک وجود دارد اینست که زنان و دختران و جوانان از وضعیت موجود ناراضی اند و دنبال راه چاره اند، توقع دارند که یک زندگی آزاد و انسانی داشته باشند، زنان و دختران ما با تمام موانع و محدودیتهای موجود میجنگند تا درس بخوانند، به دانشگاه بروند و شغلی دست و پا کنند تا به استقلال اقتصادی برسند سپس با چنگ و دندان آن را حفظ میکنند. همین هفته نتایج کنکور سراسری دانشگاهها اعلام شده و نگاهی اجمالی به آن نشان میدهد که مثل چند سال گذشته امسال هم آمار دختران شرکت کننده و پذیرفته شده بیشتر از پسران است.

علیرغم بگیر و ببندهای موجود، دیربست که جوانان به شادی، به تفریح، به پوشش و فرهنگ مدرن روی آورده اند، محدودیتهای آنها را به طور روزمره میشکنند، دختران و پسران جوان به سیاست علاقمند شده اند، تشکل یابی مد شده است، انواع گروهها و نهادها و جمعهای جوانان پسر و دختر وجود دارد، همین تشکلهای غیر دولتی زنان نمونه ای از آن است. اینها روی دیگر جامعه امروز ماست. نگاهی به کل این تصویر از سویی نگران کننده و از سوی دیگر امیدوار کننده، میتواند وظایف هر فعال جنبش زنان در ایران و تشکلهای دفاع از حقوق زن را تعریف و تعیین کند. به نظر من تاسیس سازمان رهایبی زن جواب این مسئله است.

رهایبی زن: با چه موانعی روبرو

هستید؟ چگونه میشود این موانع را برطرف کرد؟

پری زارع: دوست دارم قبل از اشاره به محدودیتهای این را بگویم که آمادگی زنان و دختران جوان و اکثریت مردم برای مبارزه و تشکل یابی، برای پیدا کردن راهی برای بیرون آمدن از وضع موجود و برای بدست آوردن هر حقی و لو کوچک در زندگیشان بسیار وسیع و عمومی است.

همه میدانند که مهمترین موانع پیش پای زنان و جنبش زنان در ایران قوانین موجود است. قوانین نابرابر و قوانینی که تبعیض و مردسالاری را در جامعه بواسطه حاکمیت نظام نهادینه کرده است.

ابعاد این نابرابری تا حدی است که باید هم زمان در دو جبهه جنگید. از طرفی باید با مردسالاری موجود مبارزه کرد و از فشار بر زنان و دختران جوان در خانواده و جامعه کاست و از طرف دیگر برای تغییر قوانین، علیه پوشش اجباری، علیه جداسازی و همه مواردی که قبلا

اشاره کردم برخاست. باید کاری کرد که زنان و دختران بتوانند آزادانه و بدون اینکه نگران دخالت در زندگیشان باشند، کار و زندگی و تفریح و سفر کنند. خلاصه باید قوانین را تغییر داد. باید در خانواده، محله ها، خیابانها، پارکها، مدارس و دانشگاهها و.... فضایی درست کرد که عاری از توهین و تحقیر باشد و زنان و دختران جوان بتوانند نفس راحتی بکشند. دیگر مقاومت فردی در مقابل تعرض به حرمت و آزادی زن جواب نمیدهد. باید متشکل شد. باید متحد کرد. باید زنان خود به میدان بیایند و با صدای بلند علیه وضع موجود اعتراض کنند. این انرژی و ظرفیت در میان زنان وجود دارد. برابری زن و مرد دیگر نباید یک آرزوی دیرینه و دست نیافتنی بماند باید این برابری در خانواده، در محلهای کار، در خیابانها، در مراکز علمی و آموزشی و در همه جا تحقق پیدا کند. ناجی ای وجود ندارد، زنان خود باید آستین بالا بزنند و به نجات زندگی حقارت بار کنونی خود برخیزند. جنبش برابری زنان در ایران راه سختی در پیش دارد. این جنبش در هر گامی که بر میدارد با دهها موانع جدی و روزمره رسمی و غیر رسمی و قانونی و سنتی و.... روبروست. با وجود این امید به تغییر این

وضع و ایجاد جامعه ای که زن و مرد در آن دارای حقوق و موقعیت برابرند وجود دارد.

رهایبی زن: نقش رهایبی زن را در برطرف کردن این موانع چگونه می بینی؟

پری زارع: تشکلهای و فعالین جنبش برابری زن در ایران به کمک نهادهای بین المللی و بخصوص تشکلهای زنان در خارج و حمایت مادی و معنوی آنان نیاز دارند. ناگفته نماند که بخشی از شخصیتها و فعالین زنان هم از امکانات دولتی برخوردار هستند و هم از حمایتهای دست و دل بازانه ای در خارج کشور. آنها به راحتی سفر میکنند، با امکانات مالی خوبی که دارند، انواع کتاب و نشریه چاپ میکنند، به مدیای بین المللی دسترسی دارند، و حرف میزنند. اما با کمال تأسف حرفهایشان کمتر مشر شمر است چرا که بروی ریشه های تبعیض و نابرابری زن انگشت نمیگذارند، توهم درست میکنند و بخشی از انرژی فعالین زنان را به بیراهه میکشاند. از نقطه نظر من اینها جزو جنبشی هستند که بیشتر در جهت تثبیت اوضاع موجود، با غر و لندهایی تلاش میکنند.

انتظار میرود که تشکلهای واقعی زنان درب دنیای خارج را به روی فعالین و تشکلهای جنبش آزادی و برابری زن و مرد در ایران بکشایند و به حمایت مادی و معنوی از آن بپردازند. دسترسی ما را به مدیای بین المللی تسهیل کنند. برای معرفی شخصیتها و فعالین این جنبش در ابعاد بین المللی کار کنند، آنها را به مجامع زنان در خارج کشور دعوت کنند، تا همگان حرفهای ما را بشنوند. در این زمینه من به فعالیت سازمان رهایبی

زن که افق خود را رهبری و سازماندهی و کمک و همیاری به جنبش هم در داخل و هم خارج کشور گذاشته است بسیار امیدوارم.

**علیه دستگیری و اعدام
نویسندگان و آزادیخواهان پیا خیزید!
علیه تهدید به دستگیری تونیا کبودوند متحد شوید!**

در روزهای اخیر، بنا به اخبار منتشر شده، بیش از ۲ هزار نفر از مسئولین انتشارات و کتابفروشیهای مختلف، نویسندگان، وبلاگ گران و خبرنگاران دستگیر شده اند. حکم جلب بسیاری از آنان در سراسر کشور صادر شده است. ۴ نفر از دستگیر شدگان به اعدام محکوم شده اند.

بر پایه اخبار رسیده، حکم جلب تونیا کبودوند دبیر بخش زنان هفته نامه «پیاپم مردم» کردستان نیز در روز پنج شنبه ۱۹ شهریور ماه توسط دادگاه شهر سنندج صادر شده است. دادگاه اتهام تونیا را نشر مطالب ضد مذهبی در رابطه با مسئله زنان در این هفته نامه ذکر کرده است.

ما از همه مردم شریف و آزادیخواه، از همه کانونها، انجمنها و ان جی اوهای زنان در سراسر کشور، از همه شخصیتها و افراد، سازمانهای مدافع حقوق انسانی در خارج کشور میخواهیم که نسبت به دور اخیر تشدید تعرض و خشونت نظام سنگر بندی کرده و بپاخیزند.

سازمان رهایبی زن همه فعالین حق طلب جنبش را در داخل و خارج کشور، به برپایی یک کمپین گسترده علیه اعدام، دستگیری و زندانی کردن مردم فرامیخواند.

ما از همه مردم شریف و آزادیخواه کردستان و همه زنان و مردان آزادیخواه شهر سنندج میخواهیم که فعالانه در مقابل این دستگیریها بپاخاسته و برای آزادی تونیا کبودوند و سایر دستگیر شدگان تلاش کنند. این تعرض را فقط با نیروی متحد و متشکل اعتراض خود میتوانیم عقب برانیم.

۲۲ شهریور ۸۳
سازمان رهایبی زن

گفتگو با یکی از رهبران جنبش حق طلبی زن در عراق و از موسسین سازمان رهایی زن! کار و فعالیت هوزان محمود و جنبش حقوق زن در عراق را بیشتر بشناسید!

همچنین بدلیل حضور جریانات اسلامی، تهدید، ارباب و تحمیل پوشش اسلامی در شهر و ترساندن زنان در رفتن به بیرون بدون همراهی فرد مذکر خانواده جزو اشکال روتین خشونت این جریانات در این جامعه بدل شده است..

شایان توجه است که زنانی که از جانب نیروهای آمریکایی مورد تجاوز قرار گرفته اند توسط خانواده هاشان بخاطر اینکه میگویند "حفظ ناموس" بقتل میرسند. آمریکاییها تجاوز میکنند، مردسالاران خودی "به قتل میرسند! زنان زیادی مورد تجاوز قرار گرفته اند اما بدلیل ترس از کشتن و آبروریزی" از بیان آن خودداری میکنند. سازمان ما با دو تن از این زنان ارتباط دارد و آنان را از هر لحاظ ممکن یاری میدهد.

رهایی زن: به چه وسیله شما توجه جامعه را نسبت به مبارزه و حقوق زنان جلب میکنید؟ آیا در عراق شما دفاتر و یا محلهایی برای رجوع مردم دارید؟ کجاها؟

هوزان محمود: حضور در محلات، محل کار (دانشگاهها، بیمارستانها، کارگاهها و ...) که زنان در آنها مشغول بکار میباشند.

ما دفاتری را داریم که مسئولین و فعالین سازمان آزادی زن به فعالیت مشغولند و بطور گسترده و وسیعی با مردم در تماس میباشند و کمپین و تظاهرات متعددی را در رابطه با تروریسم و اشغالگری آمریکا سازمان داده ایم و همچنین در گرامیداشت روز جهانی زن در بغداد تظاهراتی بزرگی را در برخی از شهرهای عراق سازمان دادیم و بعنوان یگانة سخنگوی جنبش برابری طلبی در عراق ظاهر شده و این جنبش را در سطح بین المللی نمایندگی کردیم، ما تلاشهای مذبحانه جریانات متعدد سازشکار و مماشات جو با جریانات اسلامی را افشا و رسوا و منزوی کرده ایم. در این رابطه در داخل و خارج عراق، فعالین و مسئولین سازمان

هم یک مبارزه مهم و همبسته است. اگر چه در کشورهای متفاوت، رنگ و بوی متفاوتی دارد. ولی مبارزه زن علیه خشونت، هر چه همبسته تر و متحدرت باشد، معلوم است که قویتر است. جنبش اسلام سیاسی که دشمن ماست به شناسنامه کسی نگاه نمیکند. به قول خودشان میخواهند جهان را مسلمان کنند. در قلب اروپا میخواهد حجاب بر سر کودکان بکند. و حقوقی هم که ما برای آن مبارزه میکنیم جهانشمول است. من از همه زنان فعال منطقه دعوت میکنم که فعالیت ما و فعالیت رهبران و فعالین جنبش رهایی زن را در این سازمان تقویت کنند.

ما در عراق تحت شرایط خطرناکی کار میکنیم. هم جنبش اسلام سیاسی، هم سنن عقب مانده و مردسالار مدام رهبران و فعالین ما را تهدید میکند. هم اکنون من کمپینی برای دفاع از ساکار احمد یکی از فعالین مدافع حقوق زنان در اربیل عراق که توسط برادرانش مورد تهدید قرار گرفته است، را در دستور کار گذاشته ام. ساکار احمد اولین زن شجاع جنبش برابری طلبانه زن در عراق است که خانه زن را تاسیس کرد. این اولین خانه زنان در آنجا بود.

رهایی زن: این واقعیت را که تعدادی از رهبران و فعالین جنبش حقوق زن در عراق جزو هیئت موسس سازمان رهایی زن هستند چگونه توضیح میدهید؟

هوزان محمود: ما بر این اعتقادیم که ستم بر زن ریشه در کل نظام اقتصادی و سیاسی حاکم دارد. ببینید ستم بر زن الان یک وجه مشخصه دنیای امروز است. این ستم در همه جا وجود دارد. خواه در عراق، یا افغانستان، ایران یا هند، آلمان یا آمریکا. درجه این ستم و خشونت، نوع آن، فقط متفاوت است که این البته به درجه قدرت مبارزه مردم بستگی داشته که توانستند آن را مهار کنند. حال من فکر میکنم که مبارزه علیه ستم و تبعیض به زن



راه انداختن کمپینهای بین المللی مختلف بر علیه قتل و ربودن زنان عراق، کمپین بین المللی علیه لایحه ۱۳۷ شورای حکومت موقت عراق که در ژانویه ۲۰۰۳ مطرح شده بود. بر اساس این قانون، شریعت اسلام در عراق لازم الاجرا میشد که به یمن تلاشهای وسیع و بین المللی ما و انسانهای بیشماري وادار به عقب نشینی شد. کمپین بین المللی در دفاع از جان و امنیت ینار محمد رئیس سازمان آزادی زن در عراق که توسط جریانات آدمکش اسلامی بخاطر فعالیت و دفاع از حرمت انسانی زنان تهدید به مرگ شده بود، از جمله فعالیتهای من در این مدت میباشد.

رهایی زن: اکنون مشغول چه فعالیتی هستی؟

هوزان محمود: اکنون کماکان سر دبیر نشریه سازمان آزادی زن عراق بزبان انگلیسی هستم و در سمینارهایی که در نقاط مختلف بریتانیا و اروپا تشکیل میشود و من بعنوان سخنران دعوت میشوم شرکت میکنم. علاوه بر اینکه بطور روزمره در یک سطح اجتماعی هم مدام به کمک زنان پناهجو از طریق شغل در انگلیس میپردازم. یادم رفت بگویم که هم اکنون ما یک کمپین مهم را در دستور کار گذاشته ایم. میدانید همسنگران زن

رهایی زن: لطفا خودت را معرفی کن، چند سال داری؟ شغلت چیست؟ کجا بدنیا آمدی؟ از کی فعالیت در عرصه حقوق زن را آغاز کردی؟ چه فعالیتهایی تاکنون داشته ای؟ هوزان محمود: من هوزان محمود هستم و ۳۱ سال دارم و در شهر سلیمانیه عراق بدنیا آمده ام. اجازه بدهید ابتدا تیریکات صمیمانه خود را به همه دوستانم که با هم سازمان رهایی زن را تاسیس کردیم و به همه زنان در بند ایران به خاطر ایجاد این سازمان اعلام بکنم. و با سپاس از وقتی که در اختیار من گذاشته اید. شغل فعلی من مشاورت حقوقی زنان پناهجو در رابطه با خشونت خانوادگی و سایر مشکلاتشان میباشد.

من فعالیت در عرصه زنان را بصورت متشکل و حرفه ای از بدو حمله قلدر منشانه آمریکا به عراق در رابطه با جنبش ضد جنگ آغاز کردم و در همین رابطه در تظاهراتها و تجمعات و سمینارهای مختلف در بریتانیا و سایر کشورهای اروپایی (فرانسه، یونان، ایتالیا، آلمان و اسکاتلند) شرکت فعال کرده و در اثر این فعالیتهای به سرعت شناخته شدم و در میان افکار عمومی مردم غرب به زبان گویای وضعیت حال زنان و کارگران و سایر مردم عراق تبدیل شده ام.

در لندن عضو سخنرانان جنبش ضد جنگ بودم و در میتینگهای صدها هزار نفری که در این شهر برگزار میشد از مصائبی که این جنگ بر میلیونها انسان تحمیل خواهد کرد، صحبت کرده ام و با دهها رادیو و شبکه تلویزیونی و روزنامه های پرتیراژ جهان مصاحبه کرده ام.

مقالاتی را که راجع به وضعیت زنان عراق نوشته ام در روزنامه های مانند گاردین و جریانات چپ و وب سایتهای مختلف و ضمنا به زبانهای گوناگون ترجمه شده است، از جمله کشورهای یونان و فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و روسیه و اسکانديناوی گرفته تا آمریکای لاتین، هند، پاکستان و بنگلادش ترجمه شده است.

جامعه بدون رهایی زن آزاد نمی شود!

مینو همیلی

عروج اسلام سیاسی وحمله بی سابقه آن به حقوق زنان و به قهقرا راندن موقعیت زنان در جوامع «ب» اسلام زده، مساله رهایی زنان را بر متن روندهای سیاسی جاری در این جوامع طرح کرد. در این جوامع نه فقط وضعیت موجود زنان به قهقرا رفته، بلکه رهایی زنان حتی در عرصه تفکر و نظر هم در تاریکی فرو رفته است.

دوره حاکمیت جمهوری اسلامی یکی از تاریکترین دورانهای معاصر زندگی زنان در ایران بوده است. زنان زیر احکام اسلامی، حجاب اجباری، سنگسار و آپارتاید جنسی، فاقد ابتدایی ترین حقوق انسانی بوده اند.

خوشبختانه در ایران به قدمت عمر رژیم اسلامی جنبش مقاومت وجود داشته و حرکت برای کنار زدن سلطه اسلام سیاسی شروع شده و جنبش برابری زنان یک واقعیت و یک نیروی وسیع ضد اسلامی بوده و امروز به یکی از ارکان جنبش ریشه کن کردن خشونت تبدیل شده است.

این جنبش باید در جهت تحول جامعه به سمت سکولاریسم، مدرنیسم، تساوی طلبی و کنار زدن اسلام و مردسالاری از زندگی سیاسی و اجتماعی مردم متشکل شود.

سازمان رهایی زن پاسخ به این نیاز است.

من به عنوان یک زن به مدت ۲۰ سال هر گونه ستم جنسی را با گوشت، پوست و استخوان لمس کرده و همیشه برای دستیابی به آزادی و برابری مبارزه کرده ام و امروز همراه با دیگر رهبران و فعالین جنبش احقاق حقوق زن، سازمان رهایی زن را تاسیس کرده ایم و صد البته جای هر زنی را در کنار خود میبینیم تا با تشکل و همراهی، مبارزه علیه ستم به زن را تا زمانیکه نابرابری ظلم وجود دارد به پیش ببریم.

جامعه ما بدون رهایی زن رها نمیشود. به صف ما بپیوندید.

بقیه از صفحه ۱۱

جدال بر سر...

خود دانست، به محرومیت رایج جنبش با سازمانهای ۱۰ نفره پایان داد، یا اینکه دو دستی موقعیت را چسبیده، شمشیر کشید، مقاومت منفی را رسمی کرد، به زندگی در یخبندان خرید، درها را بست، لبها را هم بست، و به این رضایت داد که در حاشیه باقی بماند! جدال ما در آزادی زن، جدال میان اجتماعی شدن، قدرتمند شدن، با مردم و از مردم شدن و نشدن بود! از نظر ما جدال برای آزادی و انسانیت قبل از هر چیز جدالی اجتماعی است. از نظر ما هر رادیکالیسمی که نتواند دور خود نیرو بسیج کند، اعتماد مردم را جلب کند، اصلا رادیکالیسم نیست. بدر مبارزه نمیخورد. رهبری آزادی زن، در این جدال دیگر این سازمان را به قهقرا برد و آن را تثبیت کرد. مقاومت ما، مقاومت برای باز کردن درهای این سازمان، اتخاذ سیاستهای رادیکال اجتماعی، تبدیل این سازمان به ظرف و ابزار مبارزه مردم بود! رهبری این سازمان خود، میان آینده و گذشته، حتی حال را انتخاب نکرد، صدها قدم با سقوط آزاد رهبرانش، به اعماق گذشته پرتاب شد. ما در ادامه تلاش خود، به سازمانی با این مختصات برای حال و آینده شکل دادیم. بدون تردید، حتی پس از پیروزی فکری و سیاسی ما در این جدال با اثرات این جریان و ضربه ایی که زده است بر پیکر جنبش باقی خواهد ماند. این جریان هم قبلا اهل دخالتگری نبود، مانع دخالتگری ما بودند، هم بعدا سایه سنگینشان در تصویر مردم هست. مبارزین واقعی باید به مردم ثابت کنند که چرا از جنس آنها نیستند تا ثابت کنند که آزادیخواهی و رادیکالیسم اصیل اثباتا چیست و چگونه است. تا اعتماد مردم را احیا کنند. راه ما و جنبش را طولانیتر کردند. مسلم آن است که عمل ما، بهترین ملاک است. هم در جدال گذشته مان با این سنتگرایان، هم در مبارزه فعلی مان علیه خشونت حاکم و سنتی که در رابطه خود با مردم تعریف و عملی میکنیم.

بقیه از صفحه ۹

گفتگو...

ما تاکنون در مقابل دوربینهای جهان و روزنامه ها از حقوق برابر زنان و جان و امنیت آنان دفاع کرده اند. اکنون ما دو شلتر (خانه امن) برای زنان را ایجاد و اداره میکنیم که در آنها تعدادی از زنان فراری از خشونت نگهداری می شوند.

رهایی زن: در خارج کشور چه میکنید؟

هوزان محمود: ما در کشورهای متعدد اروپا و آمریکا و استرالیا شبکه ای از فعالین و نمایندگان سازمان آزادی زن را داریم که جنبش حق طلبانه زن در عراق را نمایندگی میکنند و کمپینها را سازمان میدهند و حمایت سیاسی، معنوی و مالی نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی و اتحادیه ای کارگری و تشکلهای زنان را در سراسر جهان جلب میکنند و موفقیتهای چشمگیری را تاکنون داشته ایم.

نشریات ما بزبانهای آلمانی و انگلیسی منتشر میشوند و دارای وب سایت بزبانهای عربی و انگلیسی میباشیم. با چنین فعالیتهایی توانسته ایم به هم سرنوشتانمان در سراسر جهان نشان بدهیم که تلاش ما نیز برای رهایی و برابری بخشی از جنبش عظیم جهانی برای این حقوق جهانشمول میباشد.

رهایی زن: همین جا میخواهیم از شما، با وجود فعالیتهای بسیاری که دارید قول بگیریم که نشریه انگلیسی زبان ماهانه رهایی زن را نیز منتشر کنید!

هوزان محمود: در حد امکان قطعا دریغ نخواهم کرد اما به کمک نیاز دارم و از این فرصت استفاده میکنم و از همه کسانی که در این زمینه توانایی دارند دعوت به همکاری همه جانبه از نوشتن به زبان انگلیسی و ترجمه مقالات و مطالب میکنم.

برهان دیوانگرد، جلال حسینی، محمود صالحی، هادی تتومند، هادی خودکام، و محمد عبیدی پور و یکی از شرکت کنندگان بنام محسن حکیم بقیه آزاد شدند. دستگیری آنها از طرف ماموران جمهوری اسلامی با مخالفت شدید شما کارگران و مردم آزادیخواه در داخل و سراسر جهان موجه شد. و در اعتراض به دستگیری این کارگران صدها اتحادیه و سندیکای کارگری در سراسر جهان و مردم نژادیخواه در داخل با ارسال طومارهای اعتراضی به مسئولین جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط این کارگران شدند.

بعد از ۱۲ روز این کارگران با وصیغه های سنگین از زندان آزاد شدند. اما چند روز پیش این کارگران از طرف دادسرا احضاریه ای دریافت کرده اند مبنی بر اینکه از تاریخ اول مهر ماه به دادگاه مراجعه کنند تا به جرم همکاری و یا هواداری از جریانات سیاسی، حزب کمونیست کارگری ایران و کومله محاکمه شوند. این در حالی است که قبلا جرم این افراد برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بدون مجوز و شرکت در مراسم غیر قانونی به ما اعلام کرده بودند. حالا جمهوری اسلامی میخواهد با منتسب کردن این کارگران به احزاب و جریانات سیاسی احکام سنگینی در مورد آنها صادر کند. دوستان گناه این کارگران تنها شرکت در مراسم روز جهانی کارگر است، جرمی دیگری را مرتکب نشده اند، هر چند شرکت در مراسم جهانی کارگر از نظر مسئولین جرم محسوب میشود. بعنوان یک زن آزادیخواه و همسر برهان دیوانگرد کارگر مبارز و برابری طلب که گناهی بجز دفاع از خود و خانواده اش و دیشر کارگران ندارد میخواهم با حمایتهای بیدریغ خود ما را یاری دهید تا خود، همسر و فرزندانمان قربانی اعمال ضدکارگری مسئولان نشویم. آزادی بی قید و شرط کارگران شرکت کننده در مراسم اول ماه مه در سقز در گرو حمایتهای متحدانه شما کارگران و آزادیخواهان از ما و همسرانمان میباشد، بیاری ما بشتابید که چشم براه حمایتهای شما همسرنوشتان هستیم! مریم اصغر پور همسر برهان دیوانگرد یکی از فعالین کارگری

جدال بر سر "آزادی و انسانیت"

درباره پروژه تصفیه و برکناری از سردبیری نشریه آزادی زن

مهرنوش موسوی

بدون شک دوستان زیادی هم در داخل و خارج کشور مرا بویژه در یک سال اخیر با مسئولیت سردبیری هفته نامه ایی به نام هفته نامه آزادی زن میشناختند و اکنون در ظرفیت جدید، ملاحظه میکنند بسیاری از خوانندگان سابق آزادی زن که هنوز با من مرتبط هستند، تاسف و تأثر عمیقشان را از نطفه شدن این نشریه ابراز میکنند. نگاه گذرا به آرشیو این نشریه و مقایسه آن نشان میدهد که این یکی از مطبوعات جامعه ایران است که زخم عمیقی بر صورت دارد. دوستانی که به اسناد مباحثات من با رهبری این سازمان دسترسی دارند میدانند که مسئله تصفیه و برکناری من از زمانی شروع شد که به ابتکار من کمیته‌ای به نام کمیته گل رز برای آزادی کارگران سقز" اعلام شد. همین جا لازم است به خوانندگان این هفته نامه اعلام کنم که کتاب این جدال که همه اسناد مباحثات و جدال یکساله مرا در این سازمان در بر میگیرد، شامل همه مکاتبات و مقالات دوران تصفیه و حتی قبل از آن آماده انتشار است و بزودی در دسترس همگان قرار میگیرد. این کتاب گنجینه ایی است افزون بر تاریخ تلاش آزادیخواهان تاکنونی ما برای آزادی و انسانیت!

دست رد بزند) که با جدل مداوم من رویرو بود. یا اینکه سازمان سیاسی باید کنفرانس و مجاری تصمیم گیری، رای و انتخابات و اساسنامه داشته باشد. رهبر مادام العمر" نداریم. باید مکانیسمهایی باشد که نسل جوان هم شانس رهبری این سازمان را داشته باشد. همه این موارد باعث جدال شده بود. اسناد آن در کتاب مزبور عرضه خواهد شد.

اما بپردازیم به ادامه جریان کمیته گل رز. ۳ روز پس از ارسال نامه سرگشاده من به نام کمیته گل رز، جهت امضا و حمایت و برای انتشار، آذر ماجدی مخالفت خود را با کمیته اعلام داشته و دستور داد که حق انتشار کمیته گل رز در آزادی زن را ندارم. این با وجودی بود که من خود سردبیر این نشریه بودم. من راسا و با امکانات خود، دست به انتشار نامه سرگشاده برای جمع آوری امضا برای حمایت از زنان در سقز و برای آزادی کارگران زدم. نامه سرگشاده پخش شد و مورد استقبال گرم قرار گرفت. این باعث ناراحتی بیشتر آذر ماجدی و علی جوادی شد. بلافاصله با وجودی که این سازمان ربطی به حزب کمونیست کارگری ایران به لحاظ تشکیلاتی نداشت، یک سازمان جانبی بود که به لحاظ ساختار تشکیلاتی مستقل عمل میکرد، آذر ماجدی نامه ایی نوشته و از بالاترین ارگان رهبری این حزب یعنی هیئت دبیران خواست که کمیته را که من شخصا به راه انداخته بودم مورد نقد قرار دهند و به نوعی جلو آن را به این بهانه که این کمیته "فمینیستی" است بگیرند. آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن تلاش کرد با اتکا به موقعیت تشکیلاتی خود و کشیدن و همراه کردن بقیه هم محفلیهایش در رهبری حزب کمونیست کارگری، مرا منکوب و کمیته را به اتهام "فمینیستی" تخطئه کند. علی جوادی اعلام کرد که باید جلو این کمیته را و جلو تلاش برای آزادی کارگران خوشبختانه با مقاومت بخش حق

همه ابتکارات و تلاشهایی که این سازمان را روی ریل اصلی خود، روی ریل شاد، فعال، برابری طلب و اکتیو می اندازد مقاومت منفی میکند.

از اینجا به بعد، یک دور دیگری از جدال میان من و رهبری سنتگرا، کهنه و قدیمی، منفعل و غیر دخالتگر آغاز شد. کمیته گل رز دیگر یک مومنوم جدید بود. اینجا دیگر رسماً بخشی از رهبری حزب کمونیست کارگری بر علیه ما در سازمان آزادی زن بسیج شده بود. از سازمانی که به لحاظ تشکیلاتی کاملاً مستقل بود، برای جولان دادن استفاده شد. به شیوه کاملاً غیر اصولی تمامی ضوابط به زیر پا نهاده شد. بخشی از یاران آذر ماجدی در راس این حزب از انفعال رهبری این سازمان، بی ربطی آن به جامعه، از بستن درهای سازمان به روی مردم حمایت میکردند. اعتراض علیه این شیوه ها را رسماً سرکوب میکردند. بخش حق طلب، حقیقتگرا و انسانیت مدار رهبری حزب این پروژه را محکوم و به نقد و اعتراض شدید علیه آن پرداخت.

حمید تقوایی به من پیشنهاد داد که متن توبه نامه ایی" را که او برام نوشته و ارسال کرده بود امضا کنم. بر مبنای این توبه نامه" باید در نشریه خودم به مردم میگفتم که من اشتباه کردم، کمیته من استنباط فمینیستی میداده است. حمید تقوایی به من رسماً گفت که اگر این نامه را امضا زده و چاپ کنم، آن موقع حق دارم به کمیته پوشش خبری بدهم. او میگفت که موقعیت آذر ماجدی و خود وی و گروهش با این مسئله ایی که پیش آمده است در خطر است و به وسیله این توبه نامه تعادل و آرامش" (به قیمت عبور از شان و حرمت من و کارگران سقز) برقرار میشود. من به این سنت ضد انسانی و ارتجاعی دست رد زدم. من آمده بودم با گل رز از حرمت کارگر و حرمت انسان دفاع کنم، حاضر نبودم آزادی را بی حرمت کنم! مصمم شده بودم همه جا از آرمانهایم دفاع کنم. ساعتی پس از عدم پذیرش توبه نامه، حکم برکناری من صادر شد. در این حکم گفته شده بود که من برکنار شده ولی حواسم باشد که هنوز حذف نشده ام، یعنی امکان

و قدرت حذف تمام و کمال مرا هم دارند. من همچنان به جدال و مبارزه ادامه دادم. نه به توبه نامه، نه به تطمیع و نه به اعمال سرکوب جواب دادم. همچنان از آزادی کارگران سقز، از آزادی و انسانیت، از ضرورت باز کردن درهای سازمان روی زنان و مردم، از اصولیگری در مقابل کل این لشکر دفاع کردم. در این زمان، همسنگران بیشماری نیز وارد این جدال شده و از حقیقت به دفاع پرداختند. به همه آنها اتهام بسته و متأسفانه فضای جدل فکری را آلوده ساختند. پس از اعتراضات و شکایات بسیاری از درون و بیرون این جریان، آذر ماجدی تحت فشار قرار گرفت. فوراً در جریان تشکیل اولین جلسه شورای مرکزی آزادی زن که هیچگاه هیچ اختیاری نداشت، برای اولین بار رای گرفت و نامه و قراری را بر علیه من، در حالیکه خودم آنجا نبودم به تصویب رسانید. هدف این بود که نشان داده شود که تصفیه و برکناری قانونی بوده است. تصمیم فردی نبوده است. من و ۵ نفر دیگر از اعضای وقت این شورا در این جلسه اصلاً حضور نداشتیم. متن نامه پذیرش تصفیه را نه قبل، نه بعدش به خود من نشان ندادند. اگر در سایت این سازمان دقت کنید میبینید که این نشست ۲ تا سوراخ رسوا کننده بزرگ دارد. یکی اینکه علی جوادی اصلاً در نشست نبوده است ولی به صورت غیبی رای داده و امضایش در پای نامه تصفیه است. دوم اینکه تصفیه دو هفته قبل صورت گرفته، در حالیکه تاییدیه دو هفته بعد صادر و رای داده شده است. اگر دقت بکنید می بینید درست در جریان برکناری و تصفیه من، اساسنامه ای برای اولین بار هول هولکی به تصویب رسیده است که مبنای آن تبعیت" افراد از رئیس سازمان است!! (با ارتش اشتباه گرفته اند) ثانیاً برای اولین و آخرین بار رهبر مادام العمر" خودش را در معرض انتخاب دوستان خودش گذاشته است.

جالب اینجاست که این عمل آنقدر ننگین بود که جرئت نکردند در نشریه حتی اسم برکناری" را ببرند و تا آخرین لحظه برای کلاه گذاشتن سر مردم، از کلمه

تعوین" سردبیر برای کاستن از شناخت آن به جای "برکناری"

به کمپین گل رز برای دفاع از کارگران سقز پیوندید!

جریاناتی که خود را فمینیست میدانند تقاضا میکنیم از تلاشهای مریم و همه کارگران برای آزادی و اعاده حقوقشان دفاع کنند. ما از فعالین رهایی زن میخواهیم که مریم اصغر پور را به هر شکلی که میتوانند در تلاش و مبارزه برای احقاق حقوق کارگران دستگیر شده یاری دهند. سازمان رهایی زن سازمان دادن و پیش بردن این کمپین را ضمانت میکند.

نامه مریم اصغر پور از سقز

اتحادیه ها، سندیکاهای کارگری، مدافعین حقوق انسان و مردم آزادیخواه جهان! دوستان!

جمع زیادی از کارگران در شهر سقز بخاطر شرکت در مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر از طرف نیروهای انتظامی دستگیر شدند، که به غیر از ۷ نفر به اسامی

صفحه ۱۰



است. رمانها نوشته شده و مجسمه های یادبودی برپا شده است. افکار عمومی غربی این مبارزه را میشناسد و به آن ارجح میدهد. این مینایی برای جلب حمایت وسیعتر مردم غرب از تلاشهای زنان مبارز در سقز و کارگران زندانی بود. که با وجود سانسور و ممانعت از پخش گسترده خبر و تلاش برای آن، با حمایت خوبی از سوی تعدادی از مردم و سازمانهای مدافع حقوق زن روبرو شد. به عنوان مثال کنگره نمایندگان کارگران معادن از سراسر دنیا که در منطقه رور آلمان در ماه ژوئن برگزار شد پس از سخنان مهنروش موسوی در معرفی این کمپین و ضرورت حمایت همزمان نمایندگان سازمانهای مدافع حقوق زنان و نمایندگان کارگران معدن از تلاشهای زنان سقز برای آزادی کارگران به پا خاسته و با کف زدن مستند و خوشحالی بسیار ابراز حمایت کردند. نماینده کارگران معدن و همچنین نماینده و سازمانده مجمع زنان آلمان گفتند که بسیار بسیار خوشحالند که مردم در آن طرف کره زمین مبارزات همدیگر را و تاریخ آن را میشناسند و به تلاش هم ارجح میدهند. نمایندگان تشکلهای حقوق زن در آلمان از کمپین گل رز حمایت کردند، گروه زنان و همسران کارگران معدنچی در بریتانیا اعلام کرد که خود را کنار مریم و عایشه و سایر زنان مبارز در سقز میداند. علاوه بر لیست ۷۰ نفری از فعالین حقوق زن در جنبش برابری طلبی ایران، جمع وسیعی از کارگران جوانرود و ثلاث باباجانی هم از کمپین حمایت کردند. یک گروه کر ارکستر زنان استرالیا که همسرانشان کارگران کشتی سازی این کشور میباشدند از کمپین ما حمایت کردند.

اکنون که باز مسئله تهدید به دستگیری و محاکمه کارگران به میدان آورده شده است، ما همه شما مردم شریف و مبارز را بار دیگر به دفاع فعال از این کمپین برای آزادی، محکومیت دستگیری، محکومیت هتک حرمت کارگران، زنان و کودکان دستگیر شدگان، محکومیت بستن جرمیه های نقدی و یا زندانی کردن آنها فرا میخوانیم. ما همه دوستان خود را در خارج کشور، به جلب و جذب حمایت بین المللی سازمانها و احزاب مربوط به حقوق زن فرا میخوانیم! ما از همه سازمانها و احزاب و

رهبران و فعالین جنبشهای اعتراضی جاری و بویژه حمایت فعالین و رهبران جنبش حق طلبی زن را از مبارزات کارگران مقدر کند. البته سنتی قدیمی که زیر آوار تحریفات و روشهای کهنه و انحصارطلبانه جریانات غیر اجتماعی، سازشکار و ضد کارگری رفته است. کسی اکنون کوچکترین شکی ندارد که تاریخ و علت الکل برگزاری خود کارگری در نیویورک بود. کمپین ما، میخواست سر جنبش را به سمت ریشه خود برگرداند. در نتیجه حاکمیت آرا و عقاید مردسالارانه، انحصارطلبانه، غیر رادیکال و غیر اجتماعی مدتهاست که مداوما به زنان جامعه هشدار میدهند که پا را از گلیم خود آنورتر نگذاشته در امور جامعه و از جمله در حمایت از کارگران دخالت نکنند. البته این جریانات وقتی نوبت به کارگران میرسد، حمایت زنان را از این جنبش بیهوده میدانند، اینها جریاناتی هستند که همزمان حاضرند زنان را به حمایت از سازشکارترین و ارتجاعیترین جنبشهای جامعه کشانند! اگر از ترس تعرض ما نباشد به نام آزادی و حقوق زن، دسته گلها و تیریکات و حمایتشان را نصیب دشمنان زنان و کارگران هر دو بکنند!

ما اسم کمپین خود را کمپین گل رز گذاشتیم. علت این امر در محبوبیت و مقبولیت مبارزه ایی است در محله گل رز برلین" که در سال ۱۹۴۳ در شرایط حاکمیت فاشیسم هیتلری توسط زنان برپا شده است. زنان این محله با یک مقاومت جانانه موفق شدند ۲۰۰۰ تن از دستگیرشدگان را که در اردوگاههای هیتلر اسیر بودند آزاد کنند. از این مبارزه شورانگیز در هالیوود فیلمهای جالبی ساخته شده

زنان و مردان آزادیخواه! مریم اصغر پور زن حق طلبی است که فعالانه برای آزادی همسرش برهان دیوانگرد، محکومیت هتک حرمت خانواده های کارگری در جریان حمله نیروهای رژیم برای دستگیری آنها در جریان اجتماعات اول ماه مه، روز جهانی کارگر، بیباخت و همراه عایشه جهانپور، لطیفه قیاسی، پرشنگ دیوانگرد و زنان دیگری در شهر سقز به یک سنت قدیمی در دفاع از آزادی کارگران بوسیله بسیج کردن و عطف توجه زنان به این مبارزه، شکل و شور جدیدی داد.

ما هم به تاسی از این تلاش در بجهوه دستگیری کارگران در اردیبهشت ماه، کمپینی را به نام کمپین گل رز" برای پیوستن به جنبش وسیع و عظیمی که برای آزادی کارگران به راه افتاده بود اعلام کردیم. بدین وسیله میخواستیم روش سنتگرایان و مردسالارانی را که مسئله کارگران را مسئله زنان نمیدانند بشکنیم. میخواستیم بگویم که مسئله دستگیری و هتک حرمت کارگران مسئله زنان و سازمانهای مربوط به حقوق زن نیز میباشد. همه مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه مربوط به زنان آن جامعه میباشد. اعلام کردیم که اگر در جامعه ایی کارگر حق برپایی آزادانه اول مه را نداشته باشد، مسجل است که در آن جامعه برپایی ۸ مارس روز جهانی زن نیز غدن و ممنوع و یا به هفت خان مجوز وزارت کشور احاله میشود. اعلام کردیم که باید اسم دهها تشکل و حزب و جریان مربوط به حقوق زن نیز در کنار اسم اتحادیه های کارگری دنیا برای آزادی محمود صالحی، برهان دیوانگرد و سایر کارگران دستگیر شده باشد. یک کمپین خلاف جریان و سنت شکن راه انداختیم که میخواست حمایت

آدرس های تماس با ما

مهنروش موسوی

mehr_musavi@yahoo.de

لادن داور

ladann_d@yahoo.com

تلفن:

00491722093431

معیار آزادی جامعه، رهایی زن از ستم است